



گزارش

تطبيق اهداف انكشافي پایداری برای افغانستان

(جوزا 1395)



1	مقدمه
2	خلاصه گزارش
4	مرور بر اهداف انکشاف هزاره
4	دستآورد های کلیدی افغانستان مبتنی بر اهداف انکشافی هزاره
15	چالش های اهداف انکشاف هزاره
16	اهداف انکشاف پایدار
27	نقش وزارت اقتصاد در تطبیق اهداف انکشاف پایدار
28	اجراءات وزارت اقتصاد در قبال نهایی سازی اهداف انکشافی پایدار
29	اقدامات بعدی

بعد از اتمام اهداف انکشافی هزاره (MDGs) در سال 2015 در اجلاس ریو +20 بر ایجاد چارچوبی جدید برای توسعه جهانی پس از سال 2015 تاکید گردید. علی رغم تمرکز قوی اهداف انکشافی هزاره بر توسعه پایدار در ابتدای قرن 21 و هدایت زندگی مردم در سراسر جهان به سمت بهبود موثر، هنوز هم میلیون ها نفر از نابرابری های اجتماعی و اقتصادی رنج می برند.

یکی از دستاورد های اصلی کنفرانس ریو+20 در سال 2012، اجندای انکشاف پسا 2015 و اهداف انکشافی پایدار میباشد. سازمان ملل متحد نشست انکشاف پایدار را دو روز قبل از نشست مجمع عمومی سازمان ملل برگزار نمود، که در آن اهداف انکشافی بیشتری برای دستیابی تا سال 2030 میلادی برای تمام کشور های جهان که عضویت سازمان ملل متحد را دارند ترسیم گردید. اهداف جدید انکشافی پس از سال 2015 میلادی براساس مفهوم "انکشاف پایدار" بنا یافته اند که تحقق آنها یک توازن منطقی را بین انکشاف انسانی، محیط زیستی و اقتصادی ایجاد خواهد نمود. قابل ذکر است که اهداف انکشاف پایدار دارای 17 هدف و 169 مقصد می باشد که در سازمان ملل متحد به تصویب رسید و از آغاز سال 2016 جایگزین اهداف انکشاف هزاره می گردد.

در نشست انکشاف پایدار، ملل جهان متعهد شدند که اولویت های ملی خود را همسو با اهداف انکشاف پایدار سازمان ملل گردانند. برعلاوه در این نشست مشخص گردید که حوزه آسیای جنوبی، یکی از مناطقی است که بیشترین جمعیت زیر خط فقر و دور از رفاه اجتماعی را در خود جای داده است. از این رو کشورهای منطقه مذکور، چالش جدی تری را برای رسیدن به اهداف انکشافی پایدار در پایان سال 2030 میلادی خواهند داشت و باید در یک مشارکت جهانی ثبات، انکشاف و رفاه اجتماعی را در پایان این دوره به مردم خود به ارمغان بیاورند.

روند ایجاد اهداف انکشاف پایدار یک روند همه شمول بوده که در آن تمام اقشار و جوامع بطور مستقیم در پروسه مشورتی آن اشتراک ورزیده بودن و در گروپهای کاری مختلف نظریات خویش را با تیم اهداف انکشافی پایدار سازمان ملل متحد شریک ساختند که این گروپ ها شامل تجارت و صنایع، اطفال و جوانان، دهاقین و زمین داران، سازمان های غیر دولتی، مقامات کشور های مختلف، جوامع علمی و تکنالوژی، زنان، اتحادیه های کارگران و تجاران در هشت مرحله صورت گرفت تا اهداف انکشافی پایدار برای بحث در سطح سیاسی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد آماده گردد.

جمهوری اسلامی افغانستان منحصیث عضو سازمان ملل متحد، متعهد به تطبیق اهداف انکشافی پایدار بوده و بتاسی از مصوبه شماره (16)، فقره (4) مورخ (1394/07/20) شورای عالی وزیران، وزارت اقتصاد موظف گردیده تا از روند کاری، هماهنگی و تطبیق موثر اهداف انکشافی پایدار (SDGs) نظارت و ارزیابی نموده و گزارشات منظم چگونگی تطبیق آن را بصورت سالانه ترتیب و به شورای عالی وزراء و از طریق مراجع دیپلماتیک به مجمع سازمان ملل متحد ارائه نماید.

خلاصه گزارش

برای رسیدن به یک جامعه مرفه و عاری از مشکلات و حل چالش‌های موجوده بشریت، کشورهای عضو سازمان ملل متحد معضلات جهانی را شناسایی نموده و جهت حل آن اهداف را طرح ریزی نموده است. با آغاز هزاره سوم، اهداف انکشافی هزاره برای پانزده سال (2001 الی 2015) طرح ریزی گردید. با ختم معیاد زمانی اهداف انکشافی هزاره، کشورهای عضو ملل متحد جهت دستیابی هرچه بهتر به اهداف و حل چالش‌ها، اهداف انکشافی پایدار را برای پانزده سال بعدی (2015 الی 2030) طرح ریزی نمودند.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان منحیث عضو سازمان ملل متحد، متعهد به تطبیق این اهداف گردیده و تمامی واحدهای مرتبط بودجوی در تطبیق این اهداف فعالیت مینمایند. بتاسی از مصوبه شماره (16)، فقره (4) مورخ (1394/07/20) شورای عالی وزیران، وزارت اقتصاد موظف گردیده تا از روند کاری، هماهنگی و تطبیق موثر اهداف انکشافی پایدار (SDGs) نظارت و ارزیابی نموده و گزارشات منظم چگونگی تطبیق آن را بصورت سالانه ترتیب و به شورای عالی وزراء و از طریق مراجع دیپلوماتیک به مجمع سازمان ملل متحد ارائه نماید.

از اینکه اهداف انکشافی پایدار به تعقیب اهداف انکشافی هزاره طرح ریزی گردیده است، بناءً تعداد اهداف مندرجه اهداف انکشافی هزاره شامل اهداف انکشافی پایدار بوده و از دستاوردهای آن منحیث بی‌زایلین استفاده میگردد. جدول ذیل دستاوردهای افغانستان را مبتنی بر اهداف انکشافی هزاره نشان میدهد:

ردیف	توضیح	هدف پدست آمده	در مسیر درست جهت پدست آوردن هدف	خارج از مسیر (5 سال عقب)	هدف قابل دریافت است	پدست آوردن هدف مشکل است (2 سال عقب)	معلومات موجود نیست
1	هدف اول: امحای فقر و گرسنگی شدید			✓✓✓	✓	✓✓	
2	هدف دوم: تحقق تعلیمات ابتدایی همگانی	✓	✓	✓✓			
3	هدف سوم: ارتقای برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان	✓	✓	✓✓✓✓✓✓✓✓			✓✓
4	چهارم: کاهش مرگ میر اطفال		✓✓✓				
5	هدف پنجم: بهبود صحت مادر	✓	✓✓✓	✓			✓✓✓
6	هدف ششم: مبارزه با اچ‌آی‌وی، ایدز ملاریا و امراض ساری	✓✓	✓✓	✓✓			✓✓✓
7	هدف هفتم: حصول اطمینان از پایداری محیط زیست	✓✓		✓✓			✓✓
8	هدف هشتم: توسعه همکاری جهانی برای انکشاف	✓✓	✓	✓✓✓	✓✓		✓✓✓
9	هدف نهم: بهبود امنیت		✓✓✓✓	✓✓✓			✓✓✓✓✓✓✓✓

✓: شاخص

با ملاحظه جدول فوق الذکر میتوان دید که از جمله 72 شاخص اهداف انکشافی هزاره، افغانستان توانسته است که 9 شاخص را بدست آورده، 15 شاخص در مسیر درست دستیابی قرار گرفته، در 23 شاخص پنج سال عقب بوده، 3 شاخص قابل دریافت، 2 شاخص مشکل و معلومات برای 20 شاخص در دسترس نمیباشد. نتیجتاً دیده میشود که تطبیق اهداف انکشافی هزاره در افغانستان وضعیت چندان خوبی نداشته است.

از مشکلات و چالش های که افغانستان در تطبیق اهداف انکشافی هزاره با آن روبرو بود میتوان به موارد چون عدم موجودیت آمار از تمام شاخص ها، موجودیت سروی های متعدد، نبود آگاهی از اهداف انکشافی هزاره، و عدم هماهنگی میان ادارات اشاره نمود. با مطالعه چالش ها و مشکلات اهداف انکشافی هزاره کوشیده میشود تا از بروز دوباره این معضلات حداقل امکان جلوگیری صورت گرفته و اهداف انکشافی پایدار بطور بهتر تطبیق گردد.

فعالیت ها برای ادغام اهداف انکشافی پایدار، که شامل 17 هدف، 169 تارگیت و 217 شاخص میباشد، در پلان ها و برنامه های سالانه وزارت ها صورت گرفته و روند تطبیق آن بعد از نهایی شدن و افغانیزه شدن این اهداف آغاز میگردد. از جمله دستاوردهای وزارت اقتصاد در نهادینه سازی روند نهایی سازی اهداف انکشاف پایدار افغانستان تا اکنون میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

1. تدویر کنفرانس ملی مشورتی در همکاری با صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA)
2. برگزاری کنفرانس ملی مشورتی با واحدهای بودجوی، دفاتر ملل متحد، سکتور خصوصی، جامعه مدنی، اکادمیا و پارلمان در ماه جولای 2015
3. ترتیب چهارچوب اهداف انکشافی پایدار برای افغانستان شامل ایجاد میکانیزم های پلانگذاری، هماهنگی و نظارت و ارزیابی اهداف انکشاف پایدار
4. تدویر اولین نشست کمیته عالی هماهنگی اهداف انکشافی پایدار

از پلان های بعدی وزارت اقتصاد به ارتباط اهداف انکشافی پایدار میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

1. تشکیل کمیته های کاری با واحدهای بودجوی، دفاتر ملل متحد، سکتور خصوصی، جامعه مدنی، اکادمیا و پارلمان؛
2. تدویر مجمع های ملی برای آگاهی دهی اهداف انکشافی پایدار در سطح ملی و منطقوی،
3. ایجاد میکانیزم ادغام اهداف انکشافی پایدار با پالیسی و استراتژی انکشاف اقتصادی-اجتماعی ملی،
4. ایجاد میکانیزم نظارت، ارزیابی و گزارش دهی از تطبیق اهداف انکشافی پایدار،
5. ترتیب استراتژی ارتباطات به منظور دسترسی به معلومات،

شرح مفصل فعالیت های وزارت اقتصاد در راستای تطبیق اهداف انکشافی پایدار و مرور بر اهداف انکشافی هزاره طی صفحات بعدی ارائه گردیده است.

1. مرور بر اهداف انکشاف هزاره

در سپتامبر سال 2000 میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شهر نیویارک دایرگردید که اهداف انکشافی هزاره را برای تمام کشورهای جهان تعیین نمودند. از اینکه افغانستان در این زمان درگیر جنگ و ناآرامی های داخلی بود، نتوانست در تدوین اهداف انکشافی هزاره (MDGs) سهم بگیرد، بناً دولت افغانستان اعلامیه هزاره سوم و اهداف انکشافی متذکره را در مارچ 2004 به تصویب رسانید. معیاد برای حصول اهداف انکشافی هزاره برای تمام کشورهای جهان سال 2015 بوده اما برای افغانستان سال 2020 تعیین گردیده است.

با وجود وضعیت خراب صحتی و گرسنگی، افغانها نبود امنیت را نیز از بزرگترین چالش سر راه خویش محسوب نمودند که به این ترتیب دولت افغانستان موضوع امنیت را منحصیث یک هدف دیگر بالای اهداف MDG افزود نموده است. بناً، نیل به اهداف انکشافی در افغانستان تنها یک خواسته توصیه وی نبوده بلکه رسیدن به این اهداف به معنی تامین امنیت در کشور، منطقه و جهان تلقی گردید.

1.1. دستاورد های کلیدی افغانستان مبتنی بر اهداف انکشافی هزاره

با وجود چالش های متعدد، افغانستان طی ده سال گذشته، دستاوردهای خوب مرتبط به اهداف انکشاف هزاره داشته است. از اینکه دستاوردهای افغانستان در چارچوب اهداف انکشافی هزاره منحصیث بیزالین برای اهداف انکشافی پایدار استفاده میگردد، بناً این دستاوردها برای اهداف انکشافی پایدار از اهمیت قابل ملاحظه برخوردار میباشد. خلاصه این دستاوردها را تحت هر یک از اهداف انکشافی هزاره ذیلاً ارائه میگردد:

هدف اول: امحای فقر و گرسنگی شدید

کاهش فقر یکی از اهداف نهایی و اساسی روند انکشاف اقتصادی جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. استراتژی انکشاف ملی افغانستان (2008-2013) نیز موضوع کاهش فقر و رسیدگی به نیازهای اساسی بخش های آسیب پذیر و مستمند جامعه افغان را مورد تأکید قرار داده است. در حال حاضر، بیشتر از یک ثلث نفوس (36 فیصد) با داشتن عاید پایین تر از خط فقر به زندگی خود ادامه می دهند؛ به عبارت دیگر، بیشتر از 9 میلیون تن از افغان ها قادر نیستند تا نیازهای اساسی خود را مرفوع نمایند. تعداد زیادتری از مردم شدیداً در معرض گرفتاری به دام فقر قرار دارند. علاوه بر این مسائل، منازعه جاری، اتکای شدید به زراعت و مساعدت های بین المللی، و همچنین فقدان پالیسی های شفاف در زمینه حمایت از فقرا از جمله عوامل کلیدی هستند که منجر به بالا رفتن میزان فقر در کشور شده اند.

یافته های سروی خانوار که اخیراً در سطح ملی انجام شده است، نشان می دهد که بین سال های 2008 و 2012، علیرغم بالا بودن میزان رشد اقتصادی (10 فیصد)، هیچ گونه تغییراتی در میزان شیوع فقر در سرتاسر کشور رخ نداده است. هر گاه رشد اقتصادی مقارن با کاهش فقر نباشد، می توان اینگونه استدلال کرد که مزایای رشد اقتصادی به شکل

مساویانه در میان اعضای جامعه توزیع و تقسیم نشده است. منازعه و فعالیت های نظامی مداوم در سطح ولایات منجر به آن شده است که میزان ناهمسانی سطوح فقر در میان ولایات بالا برود. اما فاصله فزاینده میان ثروتمندان و فقرا نیز از دیگر عواملی است که سبب نابرابری در توزیع رفاه و بهروزی در کشور شده است.

آنچه وضعیت افغانستان را از این هم پیچیده تر می کند، همانا اتکای شدید این کشور به اقتصاد زراعتی می باشد. علیرغم آنکه سهم نسبی سکتور زراعت در تولید ناخالص داخلی به دلیل ورود مقادیر بالای مساعدت های بین المللی به سکتورهای دیگر کاهش یافته است، این سکتور هنوز هم جایگاه خود را به عنوان یکی از محرک های رشد اقتصادی کشور حفظ می کند. اما با توجه به اتکای شدید کشور به اقتصاد زراعتی، روند رشد اقتصادی افغانستان شدیداً متغیر و بی ثبات می باشد.

میزان فراهم بودن مواد غذایی مغذی در یک کشور، یکی دیگر از شاخصه های وضعیت فقر در آن کشور برشمرده می شود و این در حالی است که وضعیت این شاخصه ها در افغانستان مطلوب نمی باشد، هر چند شرایط رو به بهبودی است. سروری ملی تغذیه که در سال 2013 توسط یونیسف اجرا شده است، نشان می دهد که میزان شیوع کم وزنی در میان اطفال پایین تر از 5 سال از 34 فیصد در سال 2004 به 25 فیصد در 2013 کاهش یافته است.

با توجه به یافته های تحلیل خطرات و آسیب پذیری ملی هیچ گونه تغییر قابل ملاحظه در میزان شیوع عدم مصونیت غذایی بین سال های 2005 و 2006 (تحلیل اولیه) و 2011 و 2012 صورت نگرفته است و این میزان در حد 30 فیصد باقی مانده است. مقایسه یافته های تحلیل خطرات و آسیب پذیری ملی در سال های 2007 و 2012 نشان می دهد که نسبت جمعیت افرادی که مواد غذایی انرژی زا را کمتر از میزان حداقل مصرف می کنند و از امنیت غذایی بهره مند نمی باشند، از 28.2 فیصد به 30.1 فیصد افزایش یافته است. افزایش این رقم ناشی از وخیم شدن وضعیت مصونیت غذایی است که خود در نتیجه خشکسالی شدید در سال 2011 در 14 ولایت شمالی کشور بوقوع پیوسته است. این ولایات معمولاً ساحاتی هستند که تولید مازاد (افزوده) در آن صورت می گیرد.

یافته های تحلیل خطرات و آسیب پذیری (2011-2012) نشان می دهد که میزان عدم مصونیت غذایی در بین 30 فیصد نفوس کشور متوسط و بسیار شدید می باشد. 8.5 فیصد از این تعداد در وضعیت عدم مصونیت غذایی بسیار شدید بسر می برند. تحلیل مذکور همچنین نشان می دهد که تعداد بیشتری از مردم شهری در مقایسه با افراد ساکن در نقاط روستایی یا جمعیت های کوچی، دچار کمبود شدید کالری و پروتئین می باشند. 34 فیصد از مجموع نفوس شهری بلحاظ غذایی غیرمصون می باشند، در حالیکه این رقم در مقایسه با جمعیت های روستایی 29 فیصد و در مقایسه با جمعیت های کوچی 26 فیصد می باشد. 21 فیصد جمعیت شهری دچار کمبود پروتئین می باشند که این رقم در میان روستائیان و کوچی ها به ترتیب برابر به 19 و 15 فیصد می باشد.

هدف دوم: تحقق تعلیمات ابتدایی همگانی

طی ده سال گذشته، پیشرفت های چشمگیر در زمینه دسترسی به معارف در افغانستان صورت گرفته است. یکی از این پیشرفت ها همانا بالا رفتن نرخ خالص شمولیت در تعلیمات ابتدایی می باشد که از 70 فیصد در سال 2011 به 76 فیصد در سال 2014 افزایش یافته است. علاوه بر این، میزان بقاء در مکاتب و میزان سواد جوانان (بین سنین 15 الی 24) نیز افزایش یافته است.

این دستاوردها هر چند چشمگیر هستند اما برای تحقق تعلیمات ابتدایی همگانی تا سال 2020 در افغانستان کافی نمی باشند. توصیه های ارائه شده توسط گزارش "معارف برای همه" (2015) در ختم بخش ارزیابی هدف 2 گنجانیده شده است.

هدف سوم: ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان

مطابق به سالنامه احصائیوی افغانستان (2013-2014) زنان 49 فیصد نفوس کشور را تشکیل می دهند. دولت افغانستان تعهد نموده تا از الزامات معاهدات حقوق بشری که در راستای توانمندسازی زنان و تأمین فرصت های سودمند برای زنان امضاء نموده است، پیروی نموده و در راستای کاهش نابرابری جنسیتی تلاش نماید. هر چند دولت افغانستان هنوز هم با چالش های زیادی در عرصه تحقق کامل حقوق زنان در افغانستان مواجه می باشد، وضعیت کشور به طور عمومی بهبود یافته است و مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی-اقتصادی نسبت به یک دهه گذشته برجسته تر شده است. برای مثال، مشارکت زنان در پارلمان ملی (27 فیصد)، از حد اوسط جهانی یعنی 21.8 فیصد هم فراتر رفته است. قوانین افغانستان، به منظور ترغیب مشارکت زنان در عرصه سیاست، سهمیه ای از کرسی های ولسی جرگه، مشرانو جرگه و شوراهای ولایتی را برای زنان در نظر گرفته است. همچنین احکامی وجود دارد که به اساس آن سهمیه مشخصی از چوکی های کمیسیون های مستقل، از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی به زنان اختصاص می یابد.

در ادامه بحث مربوط به هدف دوم، باید افزود که افزایش نرخ شمولیت دختران در مکاتب منجر به بالا رفتن سطح سواد زنان در کشور شده است. نسبت دختران به پسران در تعلیمات ابتدایی، تعلیمات ثانوی و تحصیلات عالی افزایش یافته و بنا بر جدید ترین ارقام به ترتیب برابر به 0.67، 0.54 و 0.39 می باشد. دلیل اصلی عدم حضور دختران در مکتب به مسائل فرهنگی ارتباط می گیرد (که 34 فیصد دختران در سن تعلیمات ابتدایی و 53 فیصد آنها در سن تحصیلات عالی را متأثر می سازد) و عدم دسترسی به مکتب و دور بودن مکتب از خانه در مکان های بعدی قرار می گیرند.

میزان مشارکت زنان در نیروی خدمات ملکی افزایش یافته است، هر چند تفاوت های گسترده ای از یک ولایت به ولایت دیگر وجود دارد. در حالیکه نسبت کارمندان دولتی اناث به ذکور در مناطق جنوبی و جنوب شرق در حد پایین 0.02 می باشد، این نسبت در ولایات شمالی و غربی تا حد 0.67 (40 فیصد از مجموع تعداد کارمندان) بالا رفته است.

با این حال، علیرغم این دستاوردها، خشونت علیه زنان هنوز هم یک چالش دلهره آور در افغانستان قلمداد می شود. قانون محو خشونت علیه زنان در سال 2009 تصویب شد. گفته می شود که موانع فرهنگی، بیسوادی، تداوم جنگ و تأثیرات ناشی از آن، بی ثباتی سیاسی و عدم حاکمیت قانون منجر به استمرار و بقای این پدیده خانمان سوز می شوند.

هدف چهارم: کاهش مرگ و میر اطفال

مرگ و میر اطفال و نوزادان از جمله شاخص هایی هستند که به میزان گسترده جهت سنجش میزان انکشاف و رفاه (بهروری) یک ملت بکار می روند. احصائیه های مربوط مرگ و میر اطفال نمایانگر وضعیت صحتی آنها می باشند و بدین لحاظ در زمینه معلومات رسانی برای روند پالیسی سازی و طراحی برنامه های صحتی که منجر به افزایش سطح بقای اطفال می شوند، مفید هستند. تجزیه و تحلیل و تفکیک بندی این معلومات به اساس خصوصیات اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی به ما کمک می کند تا گروه های فرعی در معرض خطر را شناسایی نموده و برنامه های موجود را با وضعیت آنها منطبق بسازیم.

هرچند نرخ مرگ و میر اطفال و نوزادان در افغانستان به میزان چشمگیر طی دو دهه گذشته کاهش یافته است، این نرخ ها در مقایسه با کشورهای منطقه بالا هستند. از اواخر سال 2003 بدین سو، افغانستان، نرخ مرگ و میر اطفال زیر سن 5 و نوزادان را هر کدام الی 60 فیصد کاهش داده است. به اساس جدیدترین معلومات که توسط وزارت صحت عامه فراهم شده است، نرخ مرگ و میر اطفال زیر سن 5 از رقم سرسام آور 319 مرگ در هر 1,000 تولد زنده در سال 1970 به 97 واقعه مرگ در سال 2010 کاهش یافته است. با این حال، میزان مرگ و میر نوزادان تا یک ماه اول که برابر به 40 مرگ در هر 1,000 تولد زنده می باشد، 50 فیصد نرخ مرگ و میر نوزادان را تشکیل می دهد. کاهش مرگ و میر نوزادان تا یک ماه اول شدیداً کند بوده است، طوریکه این نرخ سالانه به میزان 0,1 فیصد کاهش یافته است. دلایل اصلی مرگ و میر نوزادان در ماه اول عبارتند از انتانات، خفگی، تولد قبل از وقت و کم وزنی در هنگام تولد.

نسبت اطفال یک ساله که واکسین سرخکان شده اند، از 35 فیصد در سال 2003 به 59 فیصد در سال 2013 افزایش یافته است.

هرچند دستاوردهای چشمگیری در این زمینه حاصل شده است، نیاز به آن است تا از طریق گسترش برنامه های صحتی، اقدامات بیشتری در راستای رسیدگی به دلایل شایع مرگ و میر اطفال صورت گیرد.

هدف پنجم: بهبود صحت مادر

یکی از موفقیت های دولت افغانستان طی دهه گذشته همانا کاهش چشمگیر نرخ مرگ و میر مادران می باشد، هرچند این نرخ هنوز در سطح جهان یکی از بالاترین نرخ ها می باشد. در سال 2003، نرخ مرگ و میر مادران برابر به 1,600 مرگ در هر 100,000 تولد زنده بوده است. این نرخ در سال 2010 به 327 مرگ (جدید ترین معلومات) کاهش یافته است.

میزان ولادت هایی که با حضور پرسونل ماهر(قابلۀ) انجام شده نیز از 14 فیصد در سال 2003 به 47 فیصد در سال 2015، افزایش یافته است. نسبت باروری (تعداد ولادت های زنده به ازای هر زن) از 6،2 ولادت در سال 2003 (رقم اولیه، به اساس یافته های سروی خوشه یی چند شاخصه ای) به 5،1 ولادت در سال 2010 (مطابق به یافته های سروی مرگ و میر افغانستان) کاهش یافته است.

مطالعات مختلفی که طی سال های گذشته انجام شده اند، معلومات متغیری را ارائه می کنند اما همگی نشان می دهند که سطح پوشش خدمات مراقبت قبل از ولادت، یعنی حداقل یکبار ویزیت زنان باردار، افزایش یافته است. یافته های سروی خوشه یی چند شاخصه ای نشانگر کاهش 12 فیصدی این میزان یعنی از 60 فیصد به 48 فیصد می باشد؛ با این حال، سروی صحت افغانستان (2012) نشانگر افزایش این رقم به 54 فیصد می باشد. مطابق به یافته های سروی صحت افغانستان (2012)، 54 فیصد زنان باردار قبل از ولادت حداقل یکبار ویزیت شده اند که نشان می دهد پیشرفت مثبت در مقایسه با نتایج تحلیل خطرات و آسیب پذیری ملی (2007-2008) که این میزان را 36 فیصد گزارش داده بود و همچنین در مقایسه با سروی خوشه یی چند شاخصه ای افغانستان (2013) که این میزان را 47،9 فیصد گزارش داده بود، صورت گرفته است.

هر چند دستاوردهای چشمگیر در این زمینه صورت گرفته است، دسترسی برابر تمام شهروندان کشور به خدمات صحی اساسی هنوز هم یک چالش می باشد. وزارت صحت عامۀ افغانستان اقدامات عمده ای را در راستای بهبود مراقبت صحی ولادی و مراقبت صحی قبل از ولادت از جمله موارد ذیل انجام داده است: تدوین معیارها و رهنمودهای لازم در زمینه مراقبت مادران، آموزش قابله ها و دوکتوران، آموزش قبل از خدمت قابله های محلی، تقویت زیربنای صحی، حصول اطمینان از تأمین وسایل و تجهیزات لازم، تهیه مواد معلوماتی، برگزاری کمپاین های آگاهی رسانی و اجرای سروی های مربوط به تطبیق پروژه ها و ابتکارات آزمایشی که در عرصه های صحت مادر و نوزاد تطبیق شده اند.

با توجه به اینکه خطر مادام العمر مرگ و میر ناشی از عوارض بارداری، در ساحات روستایی ده مرتبه بیشتر از ساحات شهری می باشد، استراتژی افزایش دسترسی به خدمات وابسته به صحت باروری و صحت مادر معطوف به تأمین خدمات صحی اساسی و مراقبت ولادی عاجل در مراکز صحی اساسی، مراکز صحی جامع و شفاخانه های تخصصی در ولسوالی ها بوده است که اساساً در صدد پوشش خدماتی شهرها، شهرک ها و قریه جات می باشند.

هدف ششم: مبارزه با اچ.آی.وی (HIV)، ایدز، ملاریا و دیگر امراض ساری

هدف ششم در اصل به منظور وقایه از شیوع اچ آی وی، ملاریا و امراض ساری دیگر تدوین گردیده است. افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای پایین ترین میزان شیوع اچ آی وی در سطح جهان می باشند، طوریکه میزان شیوع این مرض در افغانستان اخیراً 0،1 فیصد تخمین شده است. با این حال، معلومات معطوف به الگوهای رفتاری افراد، نمایانگر احتمال شیوع اچ آی وی بویژه در میان معتادین تزریقی می باشد. از سوی دیگر، عوامل ساختاری که در گسترش این مرض نقش

دارند نیز شایع هستند، از جمله تولید و قاچاق مواد مخدر، ممنوعیت مذهبی و فرهنگی برقراری روابط جنسی خارج از رابطه زناشویی (که ممکن است افراد متخلف را از تست دادن و تداوی باز دارد)، استفاده از مواد غیرقانونی، بالا بودن نفوس جوانان (بیش از 60 فیصد آنها کمتر از 25 سال سن دارند)، فقر، نا امنی، عدم دسترسی به تعلیمات با کیفیت و خشونت. عوامل دیگری که در شیوع مرض اچ آی وی نقش دارند، عبارتند از: بالا بودن میزان شیوع توبرکلوز، انتان های مقاربتی، پایین بودن سطح سواد، انگشت نما شدن و تبعیض علیه افرادی که با اچ آی وی زندگی می کند.

محرک اصلی شیوع اچ آی وی در افغانستان همانا معتادین تزریقی می باشد که تعداد آنها در سال 2015 توسط برنامه ملی کنترل ایدز (با استنتاج معلومات موجود) حدوداً 40,900 تخمین شده است. سروی تلفیقی مراقبت رفتاری-بیالوژیک (IBBS) که در سال 2012 اجرا شده است، میزان شیوع اچ آی وی در میان معتادین تزریقی را 4,4 فیصد کل جمعیت تخمین زده است. میزان شیوع اچ آی وی از 0,3 فیصد در مزار، 0,9 فیصد در چاریکار، 1 فیصد در جلال آباد، 2,4 فیصد در کابل به 13,3 فیصد در هرات افزایش میدهد. یافته های سروی مذکور همچنین نشان می دهند که تخمیناً 11 فیصد تمام افرادی که گفته اند معتاد تزریقی هستند از سوزن یا سرنج مشترک استفاده می کنند؛ 6,2 فیصد پاسخگویان تزریقی گفته اند که از سرنج ها و وسایل زرقی ضد عفونی نشده استفاده می کنند.

افغانستان در سطح جهان، به جز محدوده آفریقا، هفتمین کشوری است که دارای بیشترین میزان ملاریا می باشد و از این دیدگاه در مکان سوم در منطقه مدیترانه شرقی سازمان صحت جهانی قرار می گیرد. تعداد موارد مرگ و میر در شفاخانه به علت ابتلا به مرض ملاریا طی 10 سال گذشته در حال تغییر بوده و از بالاترین تعداد یعنی 46 مورد در سال 2008 به 32 مورد در سال 2014 کاهش یافته است. طی این مدت زمان، روزانه حداقل یک مورد ملاریا گزارش شده است.

برنامه ملی توبرکلوز پیشرفت چشمگیری داشته و از سال 2002 بدین سو دستاوردهای زیادی را رقم زده است. با تأسیس 1,304 مرکز «تداوی تحت نظارت مستقیم» (DOT) که هر یک خدمات و مراقبت از توبرکلوز را مطابق به معیارهای بین المللی فراهم می کنند، رقم تخمینی افرادی که به تأسیسات تداوی تحت نظارت مستقیم دسترسی دارند به میزان قابل ملاحظه از 14 فیصد در سال 2001 به 97 فیصد در سال 2014 افزایش یافته است. «میزان تداوی موفقانه» نیز از 84 فیصد در سال 2001 به 90 فیصد در سال 2013 افزایش یافته است. در نتیجه، نرخ مرگ و میر سالانه از 93 مرگ به 42 مرگ در هر 100,000 نفر کاهش یافته است و میزان شیوع این بیماری در هر سال از 671 به 340 نفر در هر 100,000 نفر کاهش یافته است.

هدف هفتم: حصول اطمینان از پایداری محیط زیست

اداره ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان، هر چند یک سازمان نسبتاً جدید است، عملکرد قابل ملاحظه ای در راستای حفاظت از منابع طبیعی و حیات وحش کشور داشته است. کشور افغانستان از طریق قانون محیط زیست که در سال 2007

تصویب شد، پالیسی های مدیریت منابع طبیعی، ارتقای ظرفیت دولت، آگاهی رسانه عامه، استقبال از موضوع انکشاف پایدار و گسترش ساحات حفاظت شده، سیستم های بسیار نیرومندی را برای حفاظت از محیط زیست ایجاد نموده است.

اما با این وجود هم افغانستان با چالش های جدی مواجه می باشد. مهارت های افراد در ساختارهای ملی، از جمله اجتماعات محلی، رهبران محلی، پژوهشگران و کارمندان ادارات حکومتی باید تقویت گردد. موضوعاتی همچون تولید کمتر مواد آلوده کننده و پایداری محیط زیست باید بیشتر از قبل در پالیسی ها و استراتژی های انکشافی ملی مورد تأکید قرار گیرند. همچنین آگاهی رسانی در مورد تغییرات اقلیمی که مشکلات موجود را تشدید و تمام سکتورهای افغانستان را تحت تأثیر قرار می دهد، باید مدنظر قرار گیرد. افزون بر آن، خطرات دیگری نیز وجود دارند که کشور را در برابر تأثیرات ناشی از تغییرات اقلیمی بیشتر آسیب پذیر می سازند. این خطرات عبارتند از استفاده غیرپایدار از منابع طبیعی، بالا بودن میزان فقر، وابستگی به زراعت بارانی، فضای ضعیف پالیسی سازی و تداوم ناامنی. تأثیرات ناشی از تغییرات اقلیمی به نوبه خود شدت این خطرات را بالا می برند.

در حال حاضر، 2.6 فیصد اراضی کشور را جنگلات پوشش میدهد که این میزان از هدف تعیین شده برای سال 2015 که 2.1 فیصد در نیز فراتر می رود و از سوی دیگر شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه این میزان تا سال 2020 به 3 فیصد خواهد رسید. میزان تولید کاربن دی اکساید در افغانستان، هر چند در حال افزایش است، یکی از پایین ترین ارقام در سطح جهان می باشد؛ در سال 2012، سازمان ملل متحد، میزان تولید کاربن دی اکساید را 0.29 متریک تن (metric ton) در هر نفر تخمین زده است. با این حال، از آنجا که کشور ما در مسیر رشد قرار دارد و انتظار می رود که این روند طی سال های آتی بهبود یابد، میزان تولید کاربن دی اکساید از حد فعلی نیز فراتر خواهد رفت. دولت بر این نکته اذعان دارد که حرکت در مسیر رشد می تواند فرصتی برای جستجوی امکانات توسعه با حداقل تولید کاربن دی اکساید و تمرکز بر انرژی های قابل بازیافت و تکنالوژی های اقلیمی هوشمند فراهم آورد. مصرف «مواد کاهنده ازون (ODS) به میزان قابل ملاحظه از رقم سالانه اولیه 99,4 متریک تن در سال 2005 به 17,34 متریک تن در سال 2012 کاهش یافته و از حد تعیین شده برای سال 2015 نیز فراتر رفته است. با کمک بخش ازون اداره ملی حفاظت از محیط زیست که تحت پشتیبانی برنامه محیط زیست ملل متحد فعالیت می کند، موفقیت های عمده ای در زمینه کاهش مصرف مواد کاهنده ازون رقم خورده است. کلروفلوروکاربن ها نگران کننده ترین ترکیب کیمیاوی بود که در سال 2010 به شکل کامل از بین رفت. متعاقباً، شاهد کاهش تدریجی اما دائمی میزان مصرف مواد کاهنده ازون بوده ایم.

افغانستان از نقطه نظر تأمین دسترسی به فاضلاب و آب آشامیدنی سالم، بسیار عقب تر از کشورهای همسایه اش می باشد. مطابق به تخمین های ملل متحد، افغانستان از لحاظ تأمین آب آشامیدنی سالم بدترین وضعیت را در سطح جهان دارد. با این حال، با توجه به اینکه از شیوه های مختلف برای دسته بندی تأسیسات بهداشتی بهبود یافته و بهبود نیافته استفاده می شود، تفاوت هایی در معلومات موجود وجود دارد. برای مثال، یافته های سروی شرایط زندگی در افغانستان (2014) نشان می دهد که 67.3 فیصد جمعیت کشور به منابع آبی بهبود یافته دسترسی داشته اند که این رقم از میزان 43.7

فیصد که در سروی ملی خطرات و آسیب پذیریه‌ها (2011-2012) گزارش شده است بالاتر بوده و از حد تعیین شده 61،5 فیصد برای سال 2020 نیز فراتر می‌رود. این سروی همچنین تخمین می‌زند که 15 فیصد جمعیت کشور به منابع بهبودیافته آب و فاضلاب دسترسی داشته‌اند که در مقایسه با سال‌های قبلی یک پیشرفت قابل ملاحظه به حساب می‌آید.

اما «برنامه نظارتی مشترک سازمان صحت جهانی/یونیسف برای تأمین آب و فاضلاب» تخمین زده است که 55 فیصد جمعیت افغانستان در حال حاضر از منابع بهبود یافته آب آشامیدنی و 32 فیصد آنها از تأسیسات بهبود یافته فاضلاب استفاده می‌کنند. تخمین‌های ارائه شده توسط این برنامه مبتنی بر ده سروی ملی خانوار می‌باشد که طی هشت سال گذشته توسط اداره مرکزی احصائیه انجام شده‌اند. این برنامه مشترک با استفاده از روش MDG برای دسته بندی خدمات بهبود یافته و بهبود نیافته آب و فاضلاب، ارقام تخمینی را از ده سروی مذکور استخراج نموده و تخمین‌های سال 2015 را با استفاده از روش رگرسیون خطی ارائه کرده است. سروی شرایط زندگی در افغانستان، نسبت به برنامه نظارتی مشترک، تعریف دقیق تری برای دسترسی در نظر گرفته است و در نتیجه میزان دسترسی به منابع آب و فاضلاب را کمتر گزارش داده است.

انتظار می‌رود روند منفی مخروبه نشینی طی چند سال آینده تداوم یابد و حتی ممکن است با توجه به رشد و توسعه شهری تسریع یابد. این جریان با شیوع جنگ و درگیری در سال 2008 وخیم تر شد و تا سال 2012 با شدت بیشتر ادامه یافت و در نتیجه تعداد بیجاشدگان داخلی افزایش یافت. کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهندگان گزارش داد که تا ماه مارچ 2013 جمعاً 534,006 نفر در داخل کشور به علت جنگ بیجا شده‌اند. کارشناسان گفته‌اند که معلومات سال 2010 و 2012 از دقت کافی برخوردار نمی‌باشند، زیرا تحرکات بیجاشدگان داخلی و زاغه نشینان به خوبی تحت نظارت قرار نگرفته است. یافته‌های تحلیل خطرات و آسیب پذیری ملی (2011-2012) نشان می‌دهد که تا 93 فیصد خانوارهای شهری تحت شرایط محرومیت از امکانات فیزیکی و محیطی زندگی می‌کنند. در نتیجه، حد معینه کاهش جمعیت زاغه نشینی به 1.54 میلیون نفر در سال 2015 هنوز قابل دسترس نیست.

هدف هشتم: توسعه همکاری جهانی برای انکشاف

افغانستان طی 14 سال گذشته مقادیر بی سابقه‌ای از کمک‌های انکشافی بین‌المللی را دریافت نموده است. در حالیکه مقادیر هنگفت کمک‌ها مزایای ارزشمندی برای کشور به دنبال داشته است، این جریان مشکلاتی را نیز بار آورده است. بخش اعظم پیشرفت‌ها از سال 2001 بدین سو با تکیه بر کمک‌های انکشافی امکان پذیر شده است. از جمله خدمات مهم، زیربنا و اداره حکومت، اما جریان ورود کمک‌های انکشافی مقارن با گسترش فساد، شکل‌گیری سیستم‌های خدمات رسانی موازی و غیرمنسجم، موثریت کم و ضعف مدیریت بوده است. اکثر کمک‌ها مستقیماً توسط تمویل کنندگان و خارج از بودجه حکومت عرضه شده‌اند. بین سال‌های 2010 و 2011، مبلغ 13.8 میلیارد دالر امریکایی (88 فیصد) از مجموع

کمک‌ها توسط تمویل‌کنندگان و همکاران اجرایی آنها از طریق "بودجه خارجی" به مصرف‌رسیده است؛ تنها مبلغ 1.9 میلیارد دلار امریکایی (12 فیصد از مجموع کمک‌ها) از طریق بودجه اصلی دولت به مصرف‌رسیده است. به اساس گزارش وزارت مالیه، مجموع سهم سکتور دوجانبه در سال 2013 حدوداً برابر به 58 فیصد از مجموع مبلغ تعهد شده برای سال 2013 (4,928 میلیون دلار) می‌باشد، در حالیکه مبلغ 2.859 میلیون دلار به سکتورهای جاری اختصاص یافته است.

بودجه خارجی که صرف خدمات اجتماعی شده است، تا سال 2009 بخش هنگفتی از مبالغ خارج بودجه را جذب کرده است، هر چند این مقدار به 21 فیصد در سال 2007 کاهش یافته است. در سال 2009، 91 فیصد بودجه خارجی به سمت سکتورهای اجتماعی، از جمله معارف، صحت، انکشاف دهات و مؤنیت اجتماعی هدایت شده است؛ با این حال، ارقام مربوط به سال‌های 2007-2008 شدیداً بالا می‌باشند و این مسئله احتمال ضعیف بودن مکانیزم‌های گزارش‌دهی و معلومات‌رسانی وزارت مالیه را نشان می‌دهد. در سال 2014، 47 فیصد بودجه خارجی در سکتور اجتماعی مصرف شد و در نتیجه این میزان 2 فیصد در مقایسه با سال گذشته افزایش یافت. این موضوع در کشورهای بعد از جنگ یعنی جایی که سکتورهای اجتماعی شدیداً تحت تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند و مبالغ هنگفت پول در خدمات اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌شوند، یک امر عادی می‌باشد.

فیصدی مساعدت‌های انکشافی رسمی که از جانب تمویل‌کنندگان عضو کمیته مساعدت‌های انکشافی سازمان همکاری و انکشافی اقتصادی (OECD/DAC) تأمین شده است به میزان بیشتر از دو برابر بین سال‌های 2005 و 2014 افزایش یافته است. در سال 2015، میزان مساعدت‌های انکشافی رسمی دو جانبه برابر به 13 فیصد بود و تا سال 2007 به 32 فیصد رسید اما در سال‌های 2009 و 2010 به ترتیب به 20 و 30 فیصد کاهش یافت.

مجموع میزان صادرات به کشورهایی که افغانستان با آنها توافقنامه تجاری ترجیحی دارد، به میزان قابل ملاحظه از 11,8 فیصد در سال 2005 به 44 فیصد در سال 2010 افزایش یافته است که نشان می‌دهد این میزان طی پنج سال 33 فیصد بالا رفته است. با این حال، جریان صادرات مبتنی بر توافقنامه تجاری آزاد بین سال‌های 2010 و 2014 به شکل بطلی بهبود یافته است. هرچند افغانستان چندین توافقنامه تجاری آزاد، از جمله توافقنامه تجاری سازمان همکاری‌های اقتصادی، توافقنامه پیرامون سیستم ترجیحی سازمان کشورهای اسلامی، توافقنامه تجاری ترجیحی بین هندوستان و افغانستان و توافقنامه پیرامون ساحه تجاری آزاد جنوب آسیا (SAFTA)، را در سطح منطقه امضاء نموده است، تنها یکی از این توافقنامه‌ها (SAFTA) جنبه اجرایی به خود گرفته است. با اجرایی شدن سایر توافقنامه‌های تجاری آزاد در آینده، سهم کلی صادرات افغانستان نیز افزایش خواهد یافت.

پیشرفت‌های حاصله را می‌توان در نسبت استفاده‌کنندگان تلفون و انترنت در افغانستان مشاهده نمود. تعداد استفاده‌کنندگان تلفون و انترنت، از سال 2002 بدین سو، یعنی زمان که اجازه سرمایه‌گذاری روی خدمات مخابراتی به سکتور خصوصی اعطاء شد، به میزان گسترده‌ای افزایش یافته است. تا سال 2014، 882 مشتری از هر 1,000 نفر از تلفون‌های سیار استفاده می‌کردند، در حالیکه تعداد استفاده‌کنندگان انترنت به 141 نفر در هر 1,000 نفر افزایش یافت.

هدف نهم: بهبود امنیت

در سال 2004، دولت افغانستان به هنگام امضای بیانیه هزاره، نهمین هدف انکشافی متمرکز بر وضعیت امنیتی را به این بیانیه الحاق که این هدف با در نظر داشت شرایط کشور طراحی شده بود. در آن زمان، دولت افغانستان به عنوان یک کشور بعد از جنگ که با شورش های مسلحانه گروه های سرنگون شده قبلی دست و پنجه نرم می کرد، مجبور بود تا رسیدگی به نگرانی های امنیتی را در آجندای انکشافی جدید خود شامل بسازد.

با توجه به اقتصاد ضعیف کشور و ضرورت به ارتقای ظرفیت اردوی ملی افغانستان، پوشش مصارف عملیات های نظامی در راستای مبارزه با شورشیان، یکی از نگرانی های اصلی به حساب می آمد. کشور افغانستان تا سال 2015 برای تأمین مصارف نظامی خود به کمک های بین المللی متکی بوده است. با انتقال مسئولیت های امنیتی از قوای بین المللی به قوای افغان، مصارف نظامی در سال 2014 به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی به 5 فیصد افزایش پیدا کرد. همچنین، در سال 2014، مصارف نظامی به عنوان بخشی از مصارف عامه به 21 فیصد افزایش یافت. اکثریت پرسونل اردوی ملی افغان آموزش نظامی همه جانبه دیده اند (90 فیصد در سال 2014) و ده فیصد پرسونل باقیمانده تحت آموزش می باشند. قابلیت رزمی و عملیاتی پرسونل اردوی ملی افغانستان در سطح کل کشور نیز ارتقا یافته است.

نگرانی های دیگر عبارتند از: موجودیت سلاح غیرقانونی، جرایم مسلحانه و قابلیت پولیس ملی افغانستان برای مهار این جرایم. هر چند (یا از آنجا که) کشور افغانستان دوره طولانی جنگ های داخلی را پشت سر گذاشته است، هنوز هم شاهد موجودیت گسترده سلاح در کشور می باشیم. بهبود تنفیذ قانون و تطبیق برنامه هایی همچون خلع سلاح، ملکی سازی و ادغام مجدد و انحلال گروه های مسلح غیرقانونی، تعداد اسلحه های غیرقانونی موجود نزد اتباع و گروه هایی که قبلاً تسلیح شده اند را به میزان قابل ملاحظه کاهش داده است. با این حال، تعداد اسلحه های دارای جواز طی چند سال گذشته از 5,385 اسلحه در سال 2008 به 18,370 اسلحه در سال 2014 افزایش یافته است. افزون بر آن، میزان کلی جرایم گزارش شده در کشور دو برابر شده و از 10,000 مورد در سال 2005 به 2,009 مورد در سال 2014 رسیده است.

موجودیت گسترده ماین های زمینی و مواد منفجره باقیمانده، یکی از نگرانی های اصلی است که از زمان تهاجم شوروی و جنگ های داخلی پس از آن وجود داشته است. افغانستان با پاکسازی بیش از 20,965 ساحة خطرناک (با مساحت کلی 1,735 کیلومتر مربع) به پیشرفت قابل ملاحظه در زمینه حل معضله ماین های زمینی و مواد انفجاری باقیمانده دست یافته است. مساعی دولت در این زمینه منجر به کشف و انهدام 1,27 میلیون ماین زمینی و بیش از 16,6 میلیون مورد از بقایای مواد انفجاری و همچنین انهدام 31,191 متریک تن مهمات غیرفعال گردیده است.

تلفات ملکی ناشی از انفجار ماین های زمینی و مواد انفجاری باقیمانده از جنگ تا 46,7 فیصد کاهش یافته است، در حالیکه تلفات ملکی ناشی از مواد انفجاری دستی که روی صفحه فشار (pressure-plate) درست شده اند، افزایش یافته و به حد اوسط 64 نفر در هر ماه رسیده است. در نتیجه، تعداد کلی تلفات ناشی از ماین، بقایای مواد انفجاری و مواد

انفجاری دستی به 113 مورد در سال 2014 رسیده است؛ به بیان دیگر این میزان در مقایسه با ارقام اولیه 22،8 فیصد افزایش یافته و چالش بزرگی را برای دولت و برنامه عملی ماین پاک‌ی افغانستان بوجود آورده است.

دولت افغانستان با انهدام تمام انواع شناخته شده ماین های زمینی کارگذاری شده ضدپرسونل، به تعهدات خویش ذیل ماده چهارم پیمان اوتاوا نایل آمده است. درخواست افغانستان مبنی بر تمدید مهلت پاکسازی تمام ساحات ماین گذاری شده و حاوی بقایای مواد انفجاری از جانب دول عضو پیمان اوتاوا در ماه دسمبر 2012 پذیرفته شد و در نتیجه مهلت پاکسازی کامل ساحات خطرناک شناخته شده تا ماه مارچ 2023 تمدید شد.

قوای آیساف و نیروهای ناتو هنگام خروج از کشور تعداد زیادی از ساحات تیراندازی حاوی مواد انفجاری را رها کردند. متعاقباً، تعداد زیادی از اطفال هنگام عبور از این ساحات کشته و یا زخمی شدند. از سال 2009 تا ختم ماه مارچ 2015، مرکز هماهنگی عملیات های ماین پاک‌ی افغانستان 130 مورد تلفات ناشی از مواد انفجاری باقیمانده در درون یا اطراف ساحات تیراندازی قبلی آیساف و ناتو را به ثبت رساند. 39 نفر از مجموع این افراد کشته شده اند، در حالیکه 75 فیصد این تلفات گریبان گیر اطفال بوده است. 19 مورد از مجموع 130 تلفات در سال قبل (2014)، 50 مورد در سال 2013، 45 مورد در سال 2012، 9 مورد در سال 2011، 6 مورد در سال 2010 و یک مورد در سال 2009 گزارش شده است. این ارقام نشانگر آن هستند که میزان تلفات همزمان با خروج نیروهای آیساف و ناتو در حال افزایش بوده است. سانحاتی که در 18 مورد از 34 ولایت کشور رخ داده اند، نمایانگر گستردگی این مشکل می باشند.

به اساس «سیستم مدیریت معلومات برای عملیات های ماین پاک‌ی»، 26 ساحه آموزش تیراندازی بسته و پاکسازی شده اند، در حالیکه عملیات های پاکسازی فعلاً در 23 ساحه جریان دارد. تاکنون جمعاً 372 کیلومتر مربع از ساحات تیراندازی پاکسازی شده اند (184 کیلومتر مربع با استفاده از روش "زیر سطح زمین" پاکسازی شده اند). طی عملیات های پاکسازی، 1 ماین ضدپرسونل، 70،286 مورد از بقایای مواد انفجاری و 56،681 مورد از مهمات دستی کوچک بجا مانده از آیساف و نیروهای ناتو کشف و منهدم شده اند. در مجموع، 75 نوع مختلف از مواد انفجاری باقیمانده کشف و منهدم شده اند که اکثریت آن را فتیله ها، نارنجک، موشک، آوان، بمب و راکت تشکیل می دهند.

آخرین نگرانی که به نوبه خود قابل توجه نیز می باشد، همانا آسیب پذیری اراضی قابل کشت در برابر زرع کوکنار می باشد. متأسفانه، کشت کوکنار در حال افزایش می باشد. مطابق به سروی سالانه تریاک که توسط وزارت مبارزه با مواد مخدر و اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد انجام شده است، میزان کشت کوکنار در افغانستان هر سال افزایش یافته و به حد بالای 224،000 هکتار در سال 2014 رسیده است. نا امنی، حکومتداری ضعیف و عدم حاکمیت قانون در ولایاتی که کشت کوکنار در آن صورت می گیرد، دلایل شایع افزایش کشت کوکنار به حساب می آیند. گزارش اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد موسوم به گزارش مواد مخدر افغانستان (2013)، رابطه بلامنازه میان نا امنی و کشت کوکنار قائل شده است که این موضوع از 2007 بدین سو هر سال در همه پرسی و سروی افغانستان لحاظ گردیده است.

1.2. چالش های اهداف انکشاف هزاره

در جریان ادغام اهداف انکشافی هزاره با اهداف واحدهای بودجوی افغانستان، یک سلسله چالش ها دامنگیر این روند بوده است. با آنکه تعداد از این چالش ها در جریان تطبیق اهداف انکشافی هزاره حل گردیده اند، ولی یک تعداد دیگر آن هنوز موجود میباشد. از اینکه اهداف انکشاف پایدار مشابهت زیاد با اهداف انکشافی هزاره دارد، بناءً چالش های فراراه اهداف انکشافی هزاره میتواند در روند تطبیق اهداف انکشافی پایدار تکرار گردد.

جهت جلوگیری از بروز چالش های ضرورت است تا چالش های موجود اهداف انکشافی هزاره را مرور نموده و از وقوع دوباره آن در جریان تطبیق اهداف انکشاف پایدار جلوگیری بعمل آید.

از چالش های کلیدی اهداف انکشافی هزاره میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

1. عدم موجودیت آمار از تمام شاخص ها،
2. موجودیت سروی های متعدد،
3. نبود آگاهی از اهداف انکشافی هزاره،
4. عدم هماهنگی میان ادارات،

2. اهداف انكشاف پايدار

بعد از اتمام اهداف انكشافی هزاره (MDGs) در سال 2015 در اجلاس ريو + 20 بر ايجاد چارچوبی جديد برای توسعه جهانی پس از 2015 تاكيد گرديد. علی رغم تمرکز قوی اهداف انكشافی هزاره بر توسعه پايدار در ابتدای قرن 21 و هدايت زندگی مردم در سراسر جهان به سمت بهبود موثر، هنوز هم ميليون ها نفر از نابرابری های اجتماعی و اقتصادی رنج می برند.

افغانستان، اهداف انكشافی هزاره (2000-2015) را در سال 2004 ميلادی، يعنی چهارسال ديرتر از ديگر کشورها به عنوان مبنا برای روند انكشافی اش تعيين نمود که در پهلوی هشت مقصد تعيين شده در اهداف انكشافی هزاره سازمان ملل، هدف نهمی را نیز تحت عنوان تامين امنيت برای خود ترسيم نمود.

یکی از دستاورد های اصلی کنفرانس ريو+20 در سال 2012، اجندای انكشاف پسا 2015 و اهداف انكشافی پايدار (SDG) می باشد. سازمان ملل متحد نشست انكشاف پايدار را دو روز قبل از نشست مجمع عمومی سازمان ملل برگزار نمود، که در آن اهداف انكشافی بیشتری برای دستیابی تا سال 2030 ميلادی برای تمام کشور های جهان که عضويت سازمان ملل متحد را دارند ترسيم گرديد. اهداف جديد انكشافی پس از سال 2015 ميلادی براساس مفهوم "انكشاف پايدار" بنا یافته اند که تحقق آنها یک توازن منطقی را بين انكشاف انسانی، محیط زیستی و اقتصادی ايجاد خواهد نمود. قابل ذکر است که اهداف انكشاف پايدار دارای 17 هدف و 169 مقصد می باشد که در سازمان ملل متحد به تصويب رسيد و از آغاز سال 2016 جایگزین اهداف انكشاف هزاره می گردد.

در نشست انكشاف پايدار که در مقر سازمان ملل از 25 الی 27 سپتمبر سال روان برگزار شد، ملل جهان متعهد شدند که اولويت های ملی خود را همسو با اهداف انكشاف پايدار سازمان ملل گردانند. برعلاوه در این نشست مشخص گرديد که حوزه آسیای جنوبي، یکی از مناطقی است که بیشترین جمعیت زیر خط فقر و دور از رفاه اجتماعی را در خود جای داده است. از این رو کشورهای منطقه مذکور، چالش جدی تری را برای رسیدن به اهداف انكشافی پايدار در پایان سال 2030 ميلادی خواهند داشت و باید در یک مشارکت جهانی ثبات، انكشاف و رفاه اجتماعی را در پایان این دوره به مردم خود به ارمغان بیاورند.

روند ايجاد اهداف انكشاف پايدار یک روند همه شمول بوده که در آن تمام اقشار و جوامع بطور مستقیم در پروسه مشورتی آن اشتراک ورزیده بودن و در گروههای کاری مختلف نظریات خویش را با تیم اهداف انكشافی پايدار سازمان ملل متحد شریک ساختند که این گروه ها شامل تجارت و صنایع، اطفال و جوانان، دهاقین و زمین داران، سازمان های غیر دولتی، مقامات کشور های مختلف، جوامع علمی و تکنالوژی، زنان، اتحادیه های کارگران و تجاران در هشت مرحله صورت گرفت تا اهداف انكشافی پايدار برای بحث در سطح سیاسی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد آماده گردد.

اهداف انکشافی پایدار دارای مقاصد (Targets) و شاخص ها قابل محاسبه ، و پیامد ها همراه بوده که در حقیقت برای همه آشنا، همه شمول، و برای تمام جهان مناسب می باشد. این اهداف در برگیرنده و بر حسب واقعیت های ملی، ظرفیت ها، سطح انکشاف، پالیسی ها و الویت ها می باشد که بر بنیاد اهداف انکشافی هزاره تشکیل گردیده تا جایگزین و تکمیل کننده آن گردد که بیشتر در مطابقت به زمینه افغانستان و پاسخگویی برای چالش های جدید می باشد. این اهداف مجموعی از اولیت ها برای انکشاف پایدار می باشد که برای آن مقاصد (Targets) جهانی ترتیب گردیده که هر دولت مکلف هست تا مقاصد مربوط به خودش را در مطابقت به چگونگی خود تشکیل دهد. اهداف انکشافی پایدار جنبه های اقتصادی، اجتماعی و محیطی را که با هم رابط نزدیک در رسیدن به انکشاف پایدار دارد ادغام نموده.

از اخیر سال 2013 الی وسط سال 2014 گروپ کاری آزاد برای اهداف انکشافی پایدار تشکیل گردیده که متشکل از کشور های عضو بوده تا هر کشور توصیه ها اساسی خود را برای آغاز مذاکره روی اجندا پس از سال 2015 آماده سازد.

اهداف و تارگیت های انکشافی پایدار (SDGs) ذیلأ ارائه میگردد:

اهداف انکشاف پایدار (SDGs)	
اهداف	تارگیت
هدف اول: محو فقر با تمام ابعاد آن در همه جا	1.1. الی سال 2030، محو فقر شدید در تمامی سطوح مردمی، بر مبنای معیار حاضر عاید کمتر از 1.25 دالر در روز، در همه جا
	1.2. الی سال 2030، کاهش حداقل 50٪ فقر در مردان، زنان و اطفال تمامی رده های سنی، با در نظرداشت تعریف ملی فقر
	1.3. الی سال 2030، تحت پوشش قراردادن همه فقرا و افراد آسیب پذیر از طریق تطبیق سیستم ها و اقدامات مسئولیت اجتماعی
	1.4. الی سال 2030، حصول اطمینان از دسترسی تمام مردان و زنان، به ویژه فقرا و افراد آسیب پذیر، به حقوق مساوی - استفاده از منابع اقتصادی، دسترسی به خدمات اولیه، کنترل بالای زمین و سایر انواع مالکیت، میراث، منابع طبیعی، تکنالوژی جدید، و خدمات مالی شامل قرضه های کوچک
	1.5. الی سال 2030، توانمند سازی فقراء و افرادی آسیب پذیر در مقابل وقایع وخیم اقلیمی و سایر حوادث و صدمات اقتصادی، اجتماعی و محیطی
	1.الف. بسیج سازی منابع مختلف بشمول همکاری های انکشافی، جهت فراهم سازی منابع کافی برای کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای کمتر انکشاف یافته، بمنظور تطبیق برنامه ها و پالیسی های فقرزدایی
	1.ب. ایجاد چارچوب مناسب برای تهیه پالیسی در سطوح ملی، منطقوی و بین المللی جهت تسریع سرمایهگذاری ها، بمنظور ازبین بردن فقر، بر اساس استراتژی های فقرزدایی و تساوی جنسیت
	2.1. الی سال 2030، محو گرسنگی و حصول اطمینان از دسترسی همه مردم، به ویژه فقرا، مردم آسیب پذیر و اطفال، به مواد غذایی مطمئن، مغذی و کافی در جریان سال

هدف دوم: محو گرسنگی؛ تامین امنیت غذایی و بهبود تغذیه؛ و ترویج زراعت پایدار

2.2. الی سال 2030، محو تمام انواع سوء تغذی، همچنان دستیابی به اهداف متوقفه بین المللی در مورد عدم رشد و لاغری در اطفال زیر سن 5 سال؛ توجه به نیازهای تغذی دختران نوجوان، زنان باردار و شیرده، و افراد کهن سال؛ الی سال 2025

2.3. الی سال 2030، مضاعف ساختن مولدیت زراعتی و درآمد تولیدکنندگان کوچک غذایی، به ویژه خانم ها، مردم بومی، دهاقین فامیلی، چوپان ها و ماهیگران، از طریق تامین مساوات در دسترسی به زمین و سایر منابع تولیدی، دانش، خدمات مالی، بازارها، و فرصت برای ارزش افزوده و کارهای غیر دهقانی

2.4. الی سال 2030، حصول اطمینان از موجودیت سیستم های تولید مواد غذایی پایدار و تطبیق شیوه های انعطاف پذیر که سبب بهبود مولدیت در تولیدات میگردد تا در نگهداشت ایکوسیستم، که باعث تقویت ظرفیت در مقابل تغییرات جوی، آب و هوای ناملایم، خشکسالی، سیلاب و سایر مصیبت ها میگردد، سهم گیرد.

2.5. الی سال 2020، حفظ تنوع جنیتیکی دانه ها، نباتات زراعتی، حیوانات اهلی و خانگی و اقسام وحشی آن، از طریق مدیریت درست و ایجاد بانک های دانه ها و نباتات وحشی در سطح ملی، منطقوی و بین المللی؛ و افزایش دسترسی عادلانه به سهم مفاد حاصله از استفاده منابع جنیتیکی و دانش سنتی که در سطح بین المللی به توافق رسیده است

2. الف. افزایش سرمایگذاری در زیربناهای روستایی، تحقیقات زراعتی و خدمات توسعه وی، توسعه فن آوری، و بانک های جنیتیکی نباتات و احشام از طریق همکاری های توسعهی بین المللی، جهت افزایش مولدیت زراعتی در کشورهای رو به انکشاف، به ویژه کشورهای کمتر انکشاف یافته

2.ب. تصحیح و جلوگیری از محدودیت ها و تحریفات تجارتي در بازارهای بین المللی زراعتی، از طریق لغو تمامی انواع سبسایدی های صادرات اقلام زراعتی و سایر تدابیر که تاثیر مشابه را داشته باشد، بر اساس تعهد دور انکشافی دوهه (Doha Development Round)

2.ج. اتخاذ تدابیر جهت حصول اطمینان از کارکرد درست بازارهای غذایی و مشتقات آن، و تسهیل دسترسی بموقع معلومات بازار شامل ذخایر غذایی؛ بمنظور جلوگیری از نوسانات شدید قیمت غذایی

3.1. الی سال 2030، کاهش مرگ و میر مادران در جهان به کمتر از 70 نفر در هر 100 هزار تولد

هدف سوم: حصول اطمینان از زندگی صحتمند و ترویج رفاه برای همه در تمام مراحل سنی

3.2. الی سال 2030، پایان دادن مرگ و میر نوزادان و اطفال زیر سن 5 سال در تمامی کشورهاییکه هدف کاهش مرگ و میر نوزادان را به حداقل 12 نفر در هر یکهزار تولد و حداقل 25 نفر در هر یکهزار طفل زیر سن 5 سال را دارند،

3.3. الی سال 2030، پایان دادن بیماری ایدز، توبرکلوز، ملاریا و امراض مربوطه مناطق گرمسیر و مبارزه با هیپاتیتز، امراض واتر-بورن و سایر امراض قابل انتقال

3.4. الی سال 2030، کاهش یک سوم مرگ ناپهنگام مادران از امراض غیر قابل انتقال از طریق پیشگیری و معالجه و همچنان ارتقاء سلامت روانی و رفاه

3.5. افزایش جلوگیری و درمان سوء مصرف مواد از جمله مواد مخدر، و استفاده مضره الکل

3.6. الی سال 2020، کاهش 05٪ مرگ و میر و صدمات مینی بر تصادفات جاده بی در جهان

3.7. الی سال 2030، حصول اطمینان از دسترسی همگانی به خدمات جنسی و مراقبت های صحت باروری از جمله تنظیم خانواده، معلومات و دانش، و ادغام صحت باروری در استراتژی های برنامه های ملی

3.8. دستیابی به پوشش همگانی صحت شامل حفاظت از خطرات مالی، دسترسی به خدمات صحت اساسی با کیفیت، و دسترسی به ادویه اساسی و واکسین مطمئن، موثر، باکیفیت، و ارزان برای همه

3.9. الی سال 2030، کاهش قابل ملاحظه در تعداد متوفی و مریضان ناشی از مواد مضره کیمیاوی، هوا، آلودگی و کثافت آب و خاک

3.الف. بهبود تطبیق مناسب چارچوب سازمان صحتی جهان به ارتباط کنترل تنباکو در تمامی کشورها
3.ب. حمایت از تحقیق و ایجاد واکسین ها و دواها برای امراض واگیر و غیر واگیر که در قدم نخست کشورهای در حال انکشاف از آن متضرر میگردند، دسترسی به دواها و واکسین های اساسی با قیمت مناسب، در مطابقت به اعلامیه دوهه در مورد موافقتنامه TRIPS و صحت عامه، که تصدیق کننده حق کشورهای در حال انکشاف می باشد

3.ج. افزایش قابل ملاحظه تمویل صحت و استخدام، انکشاف، آموزش و نگهداری کارمندان صحتی در کشورهای روبه انکشاف، خصوصاً در کشورهای کمتر انکشاف یافته و ایالت های رو به انکشاف جزایر کوچک

3.د. بلند بردن ظرفیت های تمامی کشورها، خصوصاً کشورهای رو به انکشاف، جهت هشدار سریع، کاهش خطرات و مدیریت خطرات صحتی ملی و بین المللی

4.1. الی سال 2030، حصول اطمینان از اینکه تمامی دختران و پسران تعلیمات ابتدایی و ثانوی را بطور رایگان، با حفظ تساوی و با کیفیت بالا تکمیل نموده که منتج به نتایج موثر و مفید گردد.

4.2. الی سال 2030، حصول اطمینان از دسترسی تمام دختران و پسران به رشد مناسب در زمان کودکی، توجه و دوره آمادگی قبل از مکتب، تا برای تعلیمات ابتدایی آماده گردند

هدف چهار: حصول اطمینان از تعلیم با کیفیت همه شمول، عادلانه و ترویج فرصت های آموزشی مادام العمر برای همه

4.3. الی سال 2030، حصول اطمینان از دسترسی مساویانه زن و مرد به تعلیمات فنی، حرفوی و تحصیلات عالی با کیفیت و با قیمت مناسب

4.4. الی سال 2030، افزایش تعداد جوانان و بزرگسالان با مهارت های مرتبط حرفوی و علمی، جهت کارایی و کار آفرینی

4.5. الی سال 2030، محو نابرابری جنسی در تعلیم و حصول اطمینان از دسترسی مساویانه افراد آسیب پذیر شامل افراد معیوب، مردم بومی و اطفال آسیب پذیر، به تمام سطوح تعلیمی، و آموزش های حرفوی

4.6. الی سال 2030، حصول اطمینان از دسترسی تمامی جوانان و اکثریت بزرگسالان اعم از مرد و زن، به خواندن و محاسبات ابتدایی

4.7. الی سال 2030، حصول اطمینان از برخورداری تمامی دانش آموزان از دانش و مهارت های لازم جهت انکشاف پایدار از طریق تعلیم برای انکشاف پایدار و روشهای زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جندر، ترویج فرهنگ صلح عاری از خشونت، شهروندی جهانی و پذیرش تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگی در انکشاف پایدار

4.الف. ایجاد و ارتقاء تسهیلات تعلیمی برای اطفال، معلولین، طبق حساسیت های جنسیتی و فراهم سازی محیط آموزشی محفوظ، عاری از خشونت، فراگیر و موثر برای همه

4.ب. الی سال 2020، افزایش تعداد بورسیه های تحصیلی برای کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای کمتر انکشاف یافته، جزایر در حال انکشاف و کشورهای آفریقایی، جهت اشتراک در تحصیلات عالی مشمول آموزش های فنی و تکنالوژی معلوماتی و مخابرات، انجنیری و برنامه های علمی، در کشورهای توسعه یافته و در سایر کشورهای در حال توسعه

4.ج. الی سال 2030، افزایش قابل ملاحظه معلمان شایسته، از طریق همکاری های بین المللی آموزش معلمان در کشورهای در حال توسعه، خصوصاً کشورهای کمتر انکشاف یافته و جزایر کوچک در حال توسعه

هدف پنجم: دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمند سازی تمام زنان و دختران

5.1. محو تمام انواع تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا

5.2. محو تمام انواع خشونت علیه زنان و دختران در محیط عامه و خصوصی، از جمله قاچاق، سوء استفاده جنسی و دیگر انواع سوء استفاده

5.3. محو همه رسوم زیان آور مانند ازدواج اطفال، ازدواج های اجباری و زود هنگام، و ختنه زنان

5.4. تشخیص و ارزش دهی کارهای بدون پرداخت داخلی از طریق ارائه خدمات عامه، زیرساخت ها و سیاست های مصئونیت اجتماعی، و ترویج مسئولیت مشترک در فامیل و خانواده مطابق به باورهای ملی

5.5. حصول اطمینان از مشارکت کامل و موثر زنان و همچنان فرصت های مساوی رهبریت در تمامی سطوح تصمیمگیری سیاسی، اقتصادی و زندگی عامه

5.6. حصول اطمینان از دسترسی همگانی به خدمات صحتی جنسی و باروری و حقوق متوافق برابری در مطابقت با "برنامه عملی کانفرانس بین المللی نفوس و انکشاف و چارچوب عملی بیجنگ" و اسناد ترتیب شده کانفرانس های برگزار شده

5.الف. تطبیق اصلاحات جهت دستیابی مساوی زنان به منابع اقتصادی، و همچنان حق مالکیت و کنترل بالای زمین و سایر انواع مالکیت، خدمات مالی، میراث، و منابع طبیعی، بر اساس قوانین ملی

5.ب. افزایش استفاده از تکنالوژی قابل دسترس به ویژه تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی، جهت توانمند سازی زنان

5.ج. اتخاذ و تقویت پالیسی های موثر و قوانین قابل اجرا جهت بهبود تساوی جنسیتی و توانمند سازی زنان و دختران در تمام سطوح

1.6 الی سال 2030، دستیابی همگانی و منصفانه به آب آشامیدنی مطمئن و با قیمت مناسب برای همه

هدف ششم: حصول اطمینان از دسترسی و مدیریت پایدار آب و حفظ الصحه برای همه

2.6 الی سال 2030، دستیابی همگانی به حفظ الصحه مناسب و مساویانه و محو دفع مدفوع باز، توجه خاص به نیازهای زنان و دختران و اشخاص آسیب پذیر

3.6 الی سال 2030، بهبود کیفیت آب از طریق کاهش آلودگی، از بین بردن ذخیره گاهای بیجاء کثافات، و به حداقل رساندن انتشار مواد کیمیاوی خطرناک، کاهش آبهای تصفیه نشده کثیف به نصف، و افزایش قابل ملاحظه در بازیابی قابل اطمینان و استفاده مجدد از آن در سطح جهان

4.6 الی سال 2030، افزایش موثریت استفاده آب در تمامی سکتورها و حصول اطمینان از عرضه پایدار و تامین آب شرب برای رسیدگی به کمبود آب

5.6 الی سال 2030، تطبیق مدیریت موثر منابع آب در تمام سطوح، از طریق همکاری فرامرزی

6.6 الی سال 2020، حفاظت و احیای اکوسیستم های مرتبط به آب، از جمله کوه ها، جنگل ها، تالاب ها، رودخانه ها، دریاچه ها، سفره ها و جھیل ها

الف الی سال 2030، گسترش همکاری و برنامه های ظرفیت سازی بین المللی برای کشورهای در حال توسعه جهت تطبیق فعالیت ها و برنامه های استحصال آب، نمک زدایی آب، موثریت آب، مجادله با فاضلاب، بازیافت، با استفاده از تکنالوژی

ب. حمایت و تقویت مشارکت اجتماعات محلی جهت بهبود مدیریت آب و فاضلاب

7.1 الی سال 2030، حصول اطمینان از دسترسی کلی به خدمات انرژی با قیمت مناسب، مطمئن و مدرن

هدف هفتم: تأمین دسترسی به انرژی با قیمت مناسب، مطمئن، پایدار و مدرن برای همه

7.1 الی سال 2030، افزایش قابل ملاحظه انرژی تجدید پذیر در ترکیب کلی انرژی جهانی

7.3 الی سال 2030، مضاعف ساختن موثریت جهانی انرژی

الف الی سال 2030، افزایش همکاری های بین المللی جهت تسهیل دسترسی به تحقیقات و فن آوری های انرژی سازگار با محیط زیست، منجمله انرژی های تجدید پذیر، انرژی موثر، و فن آوری پیشرفته سوخت های فوسیلی پاک تر و ترویج سرمایه گذاری در زیرساخت های انرژی و فن آوری های انرژی سازگار با محیط زیست

ب. الی سال 2030، گسترش زیربناها و ارتقاء فن آوری جهت عرضه خدمات انرژی مدرن و پایدار برای همه کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای جزایر کوچک در حال توسعه و کشورهای در حال توسعه محاط به خشکه، در مطابقت با برنامه های حمایتی ملی

8.1 رشد سرانه پایدار در مطابقت با شرایط ملی، به ویژه حداقل 7٪ تولید ناخالص داخلی در سال در کشورهای کمتر توسعه یافته

هدف هشتم: ترویج رشد اقتصادی پایدار، فراگیر، اشتغال کامل و مولد برای همه

8.3 ترویج پالیسی های انکشافی که حامی فعالیت های تولیدی، ایجاد اشتغال، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری، و تشویق تشبثات خورد و متوسط از طریق دسترسی به خدمات مالی

8.5 الی سال 2030، تأمین استخدام کامل و ایجاد کارهای مناسب برای تمام زنان و مردان به شمول جوانان و معلولین با پرداخت دستمزد مناسب

8.6 الی سال 2020، کاهش قابل توجه در نسبت جوانان بی کار، بی سواد

8.8 محافظت از حقوق کارگران و انکشاف محیط کاری مطمئن و موثر برای تمام کارگران به شمول کارگران مهاجر به خصوص زنان مهاجر و کسانی که در شرایط متزلزل و ناپایدار کاری قرار دارند

8.9 الی سال 2030، تهیه و تطبیق پالیسی‌ها جهت توسعه گردشگری پایدار که سبب ایجاد اشتغال، ترویج فرهنگ و تولیدات محلی گردد

8.ب. الی سال 2020، تهیه و ترتیب استراتژی بین‌المللی برای استخدام جوانان و تطبیق پیمان کار بین‌المللی

9.1 توسعه زیربنا باکیفیت، قابل اعتماد، پایدار و انعطاف‌پذیر، شامل زیربنای منطقه‌وی و فرامرزی، جهت حمایت انکشاف اقتصادی و رفاه بشری، با تمرکز روی دسترسی مساوی و ارزان برای همه

9.2 الی سال 2030 تشویق صنعتی سازی پایدار و فراگیر، افزایش قابل ملاحظه سهم صنعت در استخدام و تولید ناخالص داخلی، در مطابقت به اوضاع ملی، و دوبرابر سازی سهم صنعت در کشورهای کمتر توسعه یافته،

9.3 افزایش دسترسی به صنایع کوچک و دیگر تصدی‌ها، مخصوصاً در کشورهای کمتر انکشاف یافته، به خدمات مالی با ربح ارزان، و پیوستن این‌ها به بازارها

9.4 الی سال 2030 بهبود زیربنا و صنایع، جهت پایدار سازی آنها با استفاده موثر منابع و اتخاذ بیشتر تکنالوژی سازگار با محیط زیست و پروسه‌های صنعت در تمام کشورها مطابق با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مربوطه آنها.

9.5 الی سال 2030 افزایش تحقیقات علمی، بلندبردن قابلیت‌های تکنالوژی سکتور صنعت در تمامی کشورها، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، تشویق نوآوری و افزایش تعداد کارگران در بخش‌های تحقیقی در هر 1 میلیون شخص، و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات و انکشاف عامه و خصوصی

9.الف. تسهیل در انکشاف زیربنای پایدار و انطباق‌پذیر در کشورهای در حال توسعه از طریق حمایت‌های مالی، تکنالوژی و تخنیکی به کشورهای افریقائی، کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه محاط به خشک‌ه و کشورهای جزیری کوچک در حال توسعه

9.ب. حمایت از انکشاف تکنالوژی‌های داخلی، تحقیق و نوآوری در کشورهای در حال توسعه از طریق فراهم سازی یک پالیسی جامع جهت متنوع سازی صنعت و ارزش افزوده شده در کالاها

9.ج. افزایش قابل ملاحظه دسترسی به معلومات و تکنالوژی ارتباطی و تلاش جهت فراهم سازی دسترسی وسیع به اینترنت با قیمت مناسب برای کشورهای کمتر توسعه یافته

10.1 تا سال 2030، دستیابی و پایدار سازی تدریجی رشد درآمد 40٪ نفوس با کمترین درآمد به میزان بالاتر از اوسط درآمد ملی

10.2 تا سال 2030، توانمندسازی و ارتقای شمولیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همه، بدون در نظر داشت سن، جنسیت، معلولیت، نژاد، قومیت، اصل، دین، وضعیت اقتصادی یا سایر موارد

10.3 حصول اطمینان از فرصت‌های مساوی و کاهش نابرابری، از طریق از میان برداشتن قوانین، سیاست‌ها و رسوم تبعیض آمیز و ترغیب قوانین، پالیسی‌ها و فعالیت‌های مناسب ان در این زمینه

10.4 تهیه و ترتیب پالیسی‌ها، به ویژه پالیسی مالی، پالیسی دستمزد و پالیسی مصونیت اجتماعی، و دستیابی تدریجی به برابری بیشتر

10.5 بهبود مقررات و نظارت از بازارها و نهادهای مالی جهانی و تقویت اجرای چنین مقررات

10.6 حصول اطمینان از افزایش نمایندگی و صدای کشورهای در حال توسعه در تصمیم‌گیری نهادهای اقتصادی و موسسات مالی بین‌المللی جهانی به منظور ایجاد موسسات موثر، معتبر، پاسخگو و مشروع

10.7 تسهیل مهاجرت‌های مطمئن، منظم و مسئول؛ و انتقال افراد از طریق اجرای پالیسی‌های برنامه‌ریزی شده و مدیریت شده

هدف نهم: ایجاد زیرساختارهای پاسخگو، ترویج صنعتی شدن پایدار و تقویه اختراعات

هدف دهم: کاهش نابرابری در سطح ملی و بین‌المللی

<p>10.الف. تطبیق اصول رفتار ویژه و متفاوت مطابق با موافقتنامه سازمان تجارت جهانی برای کشورهای درحال توسعه، خصوصاً کشورهای کمتر انکشاف یافته</p>	
<p>10.ب. تشویق کمکهای رسمی انکشافی و جریانهای مالی، مشمول سرمایه گذاری مستقیم خارجی، به کشورهای دارای نیازمندی بیشتر، به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای آفریقایی، کشورهای جزیره‌های کوچک درحال توسعه و کشورهای درحال توسعه محاط به خشک، با توجه به طرح‌ها و برنامه‌های ملی</p>	
<p>10.ج. الی سال 2030، کاهش حداقل 3 درصدی هزینه‌های معامله از وجوه ارسالی مهاجران و از بین بردن دهلزهای با پرداخت هزینه‌های بالاتر از 5 درصد</p>	
<p>11.1. الی سال 2030، حصول اطمینان از دسترسی همگانی به مسکن مطمئن، ارزان، و دسترسی به خدمات ابتدایی و محلات انکشاف یافته</p>	<p>هدف یازدهم: شهرهای فراگیر، مصنئون، انعطاف پذیر و پایدار</p>
<p>11.2. الی سال 2030، دسترسی همگانی به سیستم‌های حمل و نقل مصنئون، ارزان و پایدار، افزایش مصنونیت جاده‌ها، خصوصاً گسترش حمل و نقل عامه، توجه خاص به ضرورت‌های افراد آسیب پذیر مانند زنان، اطفال، معلولین و کهن سالان</p>	
<p>11.3. الی سال 2030، افزایش شهرنشینی همه شمول و پایدار، توانمند سازی زندگی مشترک</p>	
<p>11.4. افزایش تلاش‌ها برای محافظت و مصنونیت میراث‌های فرهنگی و طبیعی جهان</p> <p>11.5. الی سال 2030، کاهش تعداد مرگ و میر و متضررین حوادث (شامل حوادث مرتبط به آب)، به ویژه افراد که نان آور خانواده شان بوده و متضرر شدن آنها سبب کاهش تولید ناخالص داخلی میگردد. با تمرکز به حمایت فقرا و اشخاص آسیب پذیر</p>	
<p>11.6. الی سال 2030، کاهش اثرات نامطلوب محیطی بالای شهرها، از طریق توجه ویژه به کیفیت هوا و مدیریت زباله‌های شهری و دیگر انواع مواد باطله</p>	
<p>11.7. الی سال 2030، ارائه دسترسی همگانی به فضاهای عامه مطمئن، فراگیر و قابل دسترس و سرسبز، به ویژه برای زنان و کودکان، افراد کهن سال و افراد معلول</p>	
<p>11.الف. حمایت از روابط مثبت اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی بین مناطق شهری، نیمه شهری و روستایی از طریق بهبود برنامه ریزی انکشاف ملی و منطقه ای</p> <p>11.ب. الی سال 2020، افزایش تعداد شهرها و شهرک‌های رهايشی که سیاستها و پلان‌های همه شمول را در مطابقت به "چارچوب Sendai برای کاهش خطرات حوادث سال 2015-2030" جهت موثریت منابع، توافق با تغییر اقلیم، انعطاف پذیری در مقابل حوادث ترتیب و تطبیق مینمایند.</p> <p>11.ج. حمایت از کشورهای کمتر توسعه یافته، از طریق کمکهای مالی وفنی، ساخت و ساز ساختمانهای پایدار و انعطاف پذیر با استفاده از مواد ساختمانی داخلی</p>	
<p>12.1. تطبیق چارچوب 10 ساله برنامه‌های تامین میزان مصارف و تولیدات پایدار که تمامی کشورها به رهبری کشور های توسعه یافته و با در نظر داشت انکشاف و توانائی‌های کشور های در حال توسعه در آن سهم فعال داشته باشند.</p>	<p>هدف دوازدهم: حصول اطمینان از الگوهای پایدار تولید و مصرف</p>
<p>12.2. الی سال 2030، رسیدن به مدیریت پایدار و استفاده درست و موثر از منابع طبیعی.</p>	
<p>12.3. الی سال 2030، کاهش پنجاه فیصدی ضیاع موادغذایی جهانی در سطوح مختلف مصرف کنندگان و کاهش ضایعات مواد غذایی در جریان تولیدات و عرضه آن</p>	

<p>12.4 الی سال 2020، مدیریت مناسب مواد کیمیای و زباله ها و کاهش انتشار آنها در هوا، آب و خاک جهت کاهش تاثیرات نامطلوب آنها بالای صحت انسانها و محیط زیست. با در نظر داشت چارچوب های بین المللی تصویب شده محیط زیست</p>	
<p>12.5 الی سال 2030، کاهش تولید زباله ها از طریق پیشگیری، کاهش استفاده مجدد از آنها. 12.6 تشویق شرکت ها بویژه شرکت های بزرگ و چند ملتی در اتخاذ شیوه های تولیدی پایدار و توحید معلومات آن در گزارشات</p>	
<p>12.7 ترویج روش های پایدار در تدارکات عامه با در نظر داشت اولیت های ملی 12.8 الی سال 2030، حصول اطمینان از اینکه مردم در همه جا در مورد توسعه پایدار و شیوه زندگی در هماهنگی با قوانین طبیعت آگاهی و اطلاعات کافی دارند.</p>	
<p>a.12 حمایت از کشورهای در حال توسعه بمنظور تقویت و توانمند سازی ظرفیت های علمی و فناوری جهت تطبیق شیوه های پایدار تولید و مصرف b.12 انکشاف و تطبیق افزار ها بمنظور نظارت از فعالیت های گردشگری پایدار که منجر به اشتغال ذایی، ترویج فرهنگ و محصولات محلی می گردد</p>	
<p>c.12 کاهش تاثیرات سوخت فسیلی نامطلوب که سبب مصارف بیجا و انحراف بازار میگردد با در نظر داشت شرایط کشور های در حال توسعه، منطقی سازی کمک های مالی و غیر موثر در مطابقت با شرایط ملی کشورها بشمول تغییر در مالیات و دور ساختن کمک های مالی غیر موثر .</p>	
<p>13.1 تقویت انعطاف پذیری و ظرفیت تطبیقی به منظور خطرات مربوط به آب و هوا و حوادث طبیعی در تمام کشورها.</p>	<p>هدف سیزدهم: اقدامات فوری در مبارزه با تغییرات اقلیمی و تاثیرات آن</p>
<p>13.2 توحید و ادغام اندازه گیری تغییرات اقلیمی در سیاست های ملی</p>	
<p>13.3 اقدامات بمنظور بهبود آموزش و پرورش، آگاهی دهی و تقویت ظرفیت های انسانی و نهادی بخاطر کاهش تاثیرات محیط زیست .</p>	
<p>a.13 تطبیق تهدات سازمان ملل متحد در چارچوب تغییرات آب و هوا توسط کشور های انکشاف یافته که هدف آن بسیج نمودن 100 ملیارد دالر تا سال 2020 از منابع مختلف بمنظور رسیدگی به نیازمند های کشور های در حال توسعه بصورت شفاف</p>	
<p>b.13 ترویج میکانیزم بمنظور بالابردن ظرفیت های مرتبط به پلاننگذاری و مدیریت موثر تغییر اقلیم در کشور های کمتر توسعه یافته و جزایر کوچک با توجه بیشتر روی زنان ، جوانان و جوامع محلی</p>	
<p>14.1 تا سال 2025 پیشگیری و کاهش آلودگی دریایی بطور قابل ملاحظه، بخصوص از فعالیت زمینی، از جمله زباله های دریایی و آلودگی مواد غذایی</p>	<p>هدف چهاردهم: استفاده و محافظت پایدار اقیانوسها، دریاها و منابع دریایی برای انکشاف پایدار</p>
<p>14.2 تا سال 2020، محافظت پایدار و مدیریت از آب های بحری و دریا ها، ایکوسیستم های دریایی و ساحلی تا از تاثیرات منفی آن بطور قابل ملاحظه جلوگیری گردد، از جمله تقویت انعطاف پذیری و اقدامات برای بازگرداندن بمنظور دستیابی به یک اقیانوس سالم و مولد.</p>	
<p>14.3 به حداقل رساندن تاثیرات اسیدی شدن اقیانوس، از طریق افزایش همکاری های علمی در تمام سطوح</p>	
<p>14.4 تا سال 2020، تنظیم موثر ماهیگیری و ازبین بردن ماهیگیری های غیرقانونی/ ماهیگیری گزارش نشده/ شیوه های ماهیگیری مخرب یا ویرانگر و اجرا یا تطبیق پلان های مدیریتی علمی بمنظور مسترد کردن یا بازگرداندن ماهی ها بشکل اولیه در کوتاه ترین زمان امکان پذیر ، حداقل در سطوح که به حد اعظمی میتواند محصول را تولید کند، قسمیکه توسط ویژگی های بیولوژیکی مشخص شد.</p>	
<p>14.5 تا سال 2020، حفظ حداقل 10 درصد ساحات بحری و ساحلی ، مطابق قانون ملی و بین المللی و بر اساس دسترسی به بهترین معلومات علمی.</p>	

14.6 تا سال 2020، ممنوع ساختن کمک های مالی برای ماهیگیران که باعث افزایش ماهیگیری بیش از حد می گردد / از بین بردن سبسادیدی یا کمک های مالی که در ماهیگیری های غیرقانونی، گزارش نشده و تنظیم نشده کمک میکند. و همچنین جلوگیری از معرفی چنین سبسادیدی ها تشخیص رفتار های متفاوت، موثر و مناسب برای کشورهای درحال توسعه و کشور های کمتر انکشاف یافته باید یک بخش صحیح و کامل گفتگوهای سبسادیدی های ماهیگیران در سازمان تجارت جهانی باشد.

14.7 تا سال 2030، افزایش مفاد اقتصادی به کشور های جزایر کوچک در حال انکشاف و کشور های کمتر انکشاف یافته با استفاده پایدار منابع دریایی از طریق مدیریت ماهیگران و سیاحان

a.14 افزایش تحقیقات علمی، رشد ظرفیت تحقیق و انتقال تکنالوژی بحری، با در نظر داشت معیارهای کمیسیون اقیانوس شناسی بین دولتی و دستورالعمل های انتقال تکنالوژی بحری بمنظور بهبود سلامت اقیانوس و افزایش همکاری و کمک در تنوع زیستی دریایی برای انکشاف کشورهای در حال توسعه، بخصوص کشور های کوچک درحال انکشاف و کشور های کمتر انکشاف یافته.

b.14 دسترسی ماهیگیران کوچک صنعتی به منابع دریایی و مارکیت

c.14 اطمینان از تطبیق کامل قوانین بین المللی، که در کنوانسیون سازمان ملل برای کشور های عضو انعکاس یافت، از جمله رژیم های موجود منطقه یی و بین المللی که برای استفاده معتادانه و پایدار ابحار و منابع آن که توسط کشور های عضو است قابل اجرا میباشد.

15.1 تا سال 2020، اطمینان به حفاظت، بازگرداندن و استفاده پایدار ایکوسیستم آب شیرین زمینی و درون مرزی و خدمات شان، بخصوص جنگلات، زمین های مرطوب، کوه ها و زمین های خشک. در راستاری تعهدات تحت توافقنامه های بین المللی

15.2 تا سال 2020، ترویج تطبیق یا اجرایی شدن مدیریت پایدار تمام انواع جنگلات، متوقف کردن قطع درختان جنگلی، بازگرداندن جنگلات تخریب شده و افزایش جنگل کاری و احیای جنگلات توسط (X) درصد جهانی

15.3 تا سال 2020، مبارزه با صحرایی شدن زمین، بازگرداندن خاک و زمین تخریب شده از جمله تاثیر زمین روی صحرایی شدن آن، خشکسالی و سیلاب و تلاش برای رسیدن به یک زمین تخریب شده طبیعی در جهان

15.4 تا سال 2030، اطمینان از حفظ ایکوسیستم های کوه ها از جمله تنوع زیستی بمنظور ارتقای ظرفیت جهت تامین منافع که برای رشد پایدار ضروری است.

15.5 اقدام عاجل و قابل توجه برای کاهش تخریبات طبیعی زمین، متوقف کردن ضایعات تنوع زیستی و تا سال 2020 حفاظت و جلوگیری از تخریب و انهدام ساحات که در معرض تهدید قرار دارند.

15.6 اطمینان از اشتراک گذاری عادلانه و منصفانه منافع ناشی از بکارگیری منابع ژنتیکی و ترویج و تشویق دسترسی به همچون منابع.

15.7 اقدام عاجل برای خاتمه دادن شکار غیر قانونی و قاچاق گیاهان و جانداران یا حیوانات حفاظت شده که در یک اقلیم زندگی میکنند و عرضه و تقاضا غیر قانونی حیوانات وحشی.

15.8 تا سال 2020، معرفی اقدامات برای جلوگیری از مقدمه ها و کاهش قابل ملاحظه تاثیر مهاجم های ناسازگار روی ایکوسیستم های آب و زمین و کنترل ویا ریشه کن کردن گونه های اولیه

15.9 تا سال 2020، کامل کردن یا درست کردن ایکوسیستم و ارزش های تنوع زیستی درپلان های ملی و محلی، در پروسه های انکشافی ودر استراتژی کاهش فقر

a.15 بسیج سازی و افزایش قابل توجه منابع مالی از تمام منبع های که برای حفظ و استفاده پایدار تنوع زیستی و ایکوسیستم ها است.

b.15 بسیج سازی قابل ملاحظه منابع از تمام منبع ها و تمام سطوح مدیریت مالی پایدار جنگلات و فراهم آوری انگیزه کافی برای کشورهای در حال توسعه در پیشبرد چنین مدیریت، از جمله حفظ و احیای جنگلات

هدف پانزدهم: حفظ، ترمیم و ترویج استفاده پایدار ایکوسیستم های زمینی، مدیریت پایدار جنگلات، مبارزه علیه صحرایی شدن زمین، متوقف کردن تخریب زمین و ضایعات تنوع زمینی

c.15 بلند بردن حمایت جهانی بمنظور تلاش برای مبارزه علیه شکار غیرقانونی و قاچاق گونه های محافظت شده، از جمله افزایش ظرفیت جوامع محلی برای تعقیب نمودن فرصت های معیشتی پایدار

16.1 کاهش قابل ملاحظه خشونت به تمام اشکال آن و مرگ و میر نسبی در هر جا

هدف شانزدهم: ترویج جوامع صلح آمیز و همه شمول برای انکشاف پایدار ، فراهم آوری دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد نهاد های موثر، حساسه و همه شمول در تمام سطوح

16.2 محو تمام اشکال خشونت ها علیه اطفال از جمله قاچاق ، استثمار و شکنجه

16.3 ترویج حاکمیت قانون به سطح ملی و بین المللی و اطمینان دسترسی عدالت همه شمول

16.4 تا سال 2030 ، کاهش قابل ملاحظه انتقال های مالی و تسلیحاتی غیرقانونی ، و تقویت ، بهبود و بازگشت دارایی های سرقت شده و مبارزه علیه تمام اشکال جرایم سازماندهی شده.

16.5 کاهش قابل ملاحظه فساد و رشوه ستانی در تمام از اشکال

16.6 انکشاف نهاد های شفاف ، موثر و پاسخگو در تمام سطح

16.7 اطمینان از تصمیم گیری پاسخگو، فراگیر و مشارکتی در تمام سطوح

16.8 تقویت و گسترش اشتراک کشور های درحال توسعه در نهاد های حکومتی جهانی

16.9 تا سال 2030، تهیه هویت حقوقی یا قانونی برای همه ، از جمله ثبت تولد و توزیع تذکره

16.10 اطمینان از دسترسی عامه به اطلاعات و حمایت از آزادی های اساسی، مطابق با قوانین ملی و موافقتنامه های بین المللی

a.16 تقویت و ایجاد ظرفیت های نهاد های ملی مربوطه ، از جمله توسط همکاری های بین المللی در تمام سطوح بخصوص در کشور های درحال توسعه بمنظور جلوگیری از خشونت و مبارزه علیه تروریسم و جرایم

b.16 ترویج و اجرای قوانین غیر تبعیض آمیز و پالیسی ها برای انکشاف پایدار

17.1 تقویت و بسیج سازی منابع داخلی، شامل حمایه مستقیم بین المللی به کشور های درحال توسعه، بمنظور ارتقای ظرفیت داخلی در جمع آوری مالیات و عواید دیگر.

17.2 عملی ساختن کامل تعهدات کمک های رسمی انکشافی (ODA/GNI) کشور های توسعه یافته شامل پرداخت 0.7 فیصد عاید ناخالص ملی در کمک های رسمی انکشافی برای کشور های در حال توسعه از 0.15 الی 0.20 فیصد به کشور های کمتر انکشاف یافته و کشور های در حال توسعه.

17.3 بسیج سازی منابع مالی اضافی برای کشور های درحال انکشاف از منبع های مختلف

17.4 مساعدت به کشور های درحال انکشاف و کمتر انکشاف یافته برای بدست آوردن قرضه های پایدار و کاهش قروض درازمدت از طریق پالیسی ها.

17.5 اتخاذ و تطبیق رژیم تشویق و حمایت از سرمایه گذاری برای کشورهای کمتر انکشاف یافته

هدف 17: تقویت عناصر تطبیقی و حیاتی سازی همکاری جهانی برای انکشاف پایدار

- 17.6 تقویت همکاری های سه جانبه ، جنوب - جنوب و شمال-جنوب در عرصه دسترسی به علم ساینس ، تکنولوژی و نوآوری و افزایش شریک سازی تحقیقات علمی در توافق دوجانبه ، از طریق هماهنگی بخصوص به سطح سازمان ملل و از طریق میکانیزم تسهیل تکنولوژی جهانی که توافق شده است
- 17.7 ترویج توسعه، انتقال، انتشار و رواج سازی فن آوری های محیط زیست به کشورهای در حال توسعه با شرایط مطلوب ، حمایتی و ترجیحی که با توافق دو جانبین.
- 17.8 بطور کامل عملیاتی سازی بانک تکنولوژی و ساینس ، ایجاد میکانیزم ارتقای ظرفیت نوآوری برای کشور های کمتر انکشاف یافته تا سال 2017 و بالابردن استفاده تکنولوژی بخصوص تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات.
- 17.9 افزایش حمایت های بین المللی جهت عملی ساختن برنامه ارتقای ظرفیت موثر در کشور های در حال توسعه و حمایت از پلان های ملی بمنظور اجرا و تطبیق تمام اهداف انکشاف پایدار، از جمله همکاری های سه جانبه و شمال-جنوب و جنوب-جنوب.
- 17.10 تقویت تجارت بین المللی بر اساس قوانین سازمان تجارت جهانی و تصامیم صورت گرفته در مذاکرات دوهه.
- 17.11 افزایش صادرات کشور های در حال توسعه بلاخصوص افزایش دوبرابر صادرات کشو های کمتر انکشاف یافته تا سال 2020
- 17.12 عملی سازی دوامدار تعارفه های بدون مالیه و سیستم مالیاتی سهمی بمنظور دسترسی بیشتر کشور های کمتر توسعه یافته به مارکیت های بین المللی تجارت با درنظرداشت قوانین سازمان تجارت جهانی شامل صادرات و واردات بر اساس قوانین ترجیحی .
- 17.13 تقویت ثبات اقتصاد کلان بر اساس پالیسی ها و هماهنگی
- 17.14 انسجام پالیسی ها بمنظور تطبیق اهداف انکشاف پایدار
- 17.15 احترام به پالیسی های کشور ها بمنظور از بین بردن کاهش فقر و تطبیق اهداف انکشافی پایدار
- 17.16 افزایش همکاری های مشترک در تطبیق اهداف انکشافی پایدار از طریق همکاری های مالی ، علمی ، فناوری ، و شریک سازی معلومات با تمام شرکا انکشافی
- 17.17 ایجاد هماهنگی ومشراکت میان دولت - سکتور خصوصی - و جامعه مدنی بمنظور تهیه و ترتیب استرژئی های ملی.
- 17.18 تا سال 2020 ابرایه مساعدت های تخنیکی به کشور های در حال توسعه و کمتر توسعه یافته و کشور های جزایری کوچک بمنظور دسترسی به معلومات به تفکیک جنس ، عواید ، قومیت ، حالت مدنی ، جغرافیه ، و خصوصیات دیگر
- 17.19 تا سال 2030 نهاد های موجود که مسولیت پیگیری اهداف انکشاف پایدار و آمار مرتبط به اهداف را دارد انکشاف ، تقویت و حمایت گردد.

نقش وزارت اقتصاد در تطبیق اهداف انکشاف پایدار

بتاسی از مصوبه شماره (16)، فقره (4) مورخ (1394/07/20) شورای عالی وزیران، وزارت اقتصاد موظف گردید تا از روند کاری، هماهنگی و تطبیق موثر اهداف انکشافی پایدار (SDGs) نظارت و ارزیابی نموده و گزارشات منظم چگونگی تطبیق آن را بصورت سالانه ترتیب و به شورای عالی وزراء و از طریق مراجع دیپلوماتیک به مجمع سازمان ملل متحد ارائه نماید. جهت رهبری و پیشبرد هرچه بهتر این محوله و ایجاد هماهنگی بیشتر میان ادارات تطبیق کننده، کمیته عالی هماهنگی اهداف انکشافی پایدار با عضویت تمام واحدهای بودجوی ایجاد گردید. چگونگی تطبیق اهداف انکشافی پایدار و ادغام آن

با پلان های سالانه و انکشافی از طریق اشخاص ارتباطی (فوکل پاینت ها) ادارات به وزارت اقتصاد گزارش گردیده و وزارت اقتصاد همکاری های تخنیکی را با آنها ارائه میکند.

اجراءات وزارت اقتصاد در قبال نهایی سازی اهداف انکشافی پایدار

طی هشت ماه گذشته (از ماه میزان بدینسو) وزارت اقتصاد فعالیت های مقدماتی اهداف انکشافی پایدار را تطبیق نموده است. فعالیت ها ذیلاً ارائه میگردد:

1. تدویر کنفرانس ملی مشورتی در همکاری با صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA)

هدف این نشست ها آمادگی ها برای اهداف انکشافی پایدار و ادغام آن در چارچوب پلان ها و پالیسی های دولت افغانستان بوده که در این کنفرانس ملی نمایندگان وزارت خانه، ادارات، جامعه مدنی و موسسات غیر دولتی اشتراک داشتند.

2. برگزاری کنفرانس ملی مشورتی با جوانب واحدهای بودجوی، دفاتر ملل متحد، سکتور خصوصی، جامعه مدنی، اکادمیا و پارلمان در ماه جولای 2015

وزارت اقتصاد بمنظور بدست آوردن نظریات و ملاحظات وزارت خانه، ادارات، جامعه مدنی و موسسات غیر دولتی در ارتباط به اهداف انکشافی پایدار (SDGS) کنفرانس های مشورتی را با تمامی جوانب ذیدخل در دو دور برگزار نمود.

3. ترتیب چهارچوب اهداف انکشافی پایدار برای افغانستان

وزارت اقتصاد در هماهنگی با دفتر سازمان انکشافی ملل متحد چهارچوب ملی اهداف انکشافی پایدار را ترتیب نمود که دربر گیرنده سه پیامد کلیدی ذیل میباشد:

(a) ایجاد میکانیزم پلانگذاری اهداف انکشاف پایدار

(b) ایجاد میکانیزم هماهنگی اهداف انکشاف پایدار

(c) ایجاد میکانیزم نظارت و ارزیابی

4. تدویر اولین نشست کمیته عالی هماهنگی اهداف انکشافی پایدار

جهت هماهنگی بهتر ادغام اهداف انکشافی پایدار با اهداف و اولویت های سالانه و تطبیق این اهداف، کمیته عالی هماهنگی مشتمل از تمامی واحدهای بودجوی مرتبط تشکیل گردید. اولین جلسه این کمیته به تاریخ 1 می 2016 برگزار گردید. در این جلسه که وزرا، معینان و رؤسای پلان و پالیسی شرکت نموده بودند، روی چهارچوب ترتیب شده اهداف انکشاف

پایدار بحث صورت گرفت و تصمیم بر آن شد تا رئیس پلان و پالیسی ادارات منحیث فوکل پاینت برای تشکیل کمیته کاری اهداف انکشافی پایدار یکجا با وزارت اقتصاد کار نمایند.

اقدامات بعدی

اهداف و فعالیت های بعدی که وزارت اقتصاد بالای آن تمرکز نموده و در نظر دارد تا آنرا بدست آورد، ذیلاً ارائه میگردد:

1. تشکیل کمیته های کاری با واحدهای بودجوی، دفاتر ملل متحد، سکتور خصوصی، جامعه مدنی، اکادمیا و پارلمان؛
2. تدویر مجمع های ملی برای آگاهی دهی اهداف انکشافی پایدار در سطح ملی و منطقوی،
3. ایجاد میکانیزم ادغام اهداف انکشافی پایدار با پالیسی و استراتیژی ملی،
4. ایجاد میکانیزم نظارت، ارزیابی و گزارش دهی از تطبیق اهداف انکشافی پایدار،
5. ترتیب استراتیژی ارتباطات به منظور دسترسی به معلومات،